

الگوهای اسکان جمعیت

محسن صفابخش

الگوهای اسکان جمعیت در دو دهه اخیر با تاکید بر شهرکهای سازمانی نظام استقرار و الگوی پراکندگی جمعیت در نقاط شهری و روستائی کشور و توزیع جمعیت در کانونهای شهری حاکی از آن است که بین توزیع منابع و امکانات و جمعیت تناسبی وجود نداشته و نتیجه ناشی از آن از بین رفتن تعادل منطقه‌ای و افزایش نابرابری‌های جغرافیائی کشور و در مراکز مهم شهری مانند تهران، اصفهان، مشهد و تبریز به مصرف بی‌رویه منابع و در مناطق کم تراکم و کم جمعیت استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، یزد، کرمان و خراسان به راکد ماندن منابع طبیعی و از بین رفتن تعادل‌های زیست محیطی مانند پیشروی کویر منجر شده و امروزه نه تنها سیستان و بلوچستان که روزی انبار غله کشور بود در معرض هجوم شن‌های روان قرار گرفته است بلکه تهران نیز از جنوب و جنوب شرقی (ورامین و گرمسار) و جنوب غربی (بوئین زهرا، شهریار و ساوه) در محاصره شن‌های روان قرار گرفته است.^۱

از جمله عوامل مؤثر در الگوی تمرکز و پراکندگی جمعیت کشور استقرار صنایع

پیرامون شهرهای بزرگ بمنظور جایگزین ساختن نیروی کار مازاد بخش کشاورزی در صنعت و افزایش سهم اشتغال در بخش خدمات از دهه ۵۰ بعد میباشند.

با افزایش فشار جمعیتی روستاها بنابر قانونمندی تراکم حیاتی «جمعیت بر حسب اراضی کشاورزی» از یکسو و از سوی دیگر ورود مکانیزاسیون به کشاورزی و جایگزین شدن نیروی کار مکانیکی (تراکتور، کمباین) در مراحل کاشت و برداشت و کاهش نقش نیروی کار انسانی زمینه دفع جمعیت فاقد زمین و سایر عوامل تولید از روستاها بیش از پیش هموار شده و استقرار صنایع پیرامون شهرهای بزرگ و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش صنعت و خدمات مهاجرت‌های روستائی را سرعت بخشیده است.

مهاجرت‌های روستائی بتدریج به گسترش ناموزون شهرهای بزرگ منجر شده و عوارض و پی‌آمدهائی چون پیدایش کمربند فقر پیرامون شهرهای بزرگ، گسترش حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری محله‌های مهاجرتی در حاشیه شهرها، گسترش فرهنگ فقر، بحران غذایی و فقر جمعی و قرار گرفتن ساکنین مناطق حاشیه‌نشین در زیر خط فقر، تضاد در الگوی زیست، آلودگی محیط زیست، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، توسعه‌بیکاری و واسطه‌گری و اقتصاد دلالی، حرکت ساختار اخلاقی شهر بسوی بی‌هنجاری و کم‌رنگ شدن ارزشهای اخلاقی و پیدایش صور مختلفه کجرفتاری‌های اجتماعی را به‌مراه داشته است.

سیاست‌هایی که در زمینه تأثیرگذاری بر الگوی توزیعی جمعیت اتخاذ شده بطور عمده به اسکان بخشی از سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ منحصر شده است.

الگوهای اسکان نیز تحول یافته و شامل اسکان جمعیت در شهرکهای خوابگاهی، اقماری، سازمانی و استقرار جمعیت در سرزمین‌های جدید بوده و در زمینه محرومیت زدائی و از بین بردن عوامل بازدارنده و موانع موجود بر سر راه رشد و توسعه مناطق محروم گام‌های اساسی برداشته نشده و بهمین سبب جابجائی‌های جمعیتی از مناطق روستائی به شهرهای بزرگ و از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات روند صعودی شتاب آلودی را پیموده است.

شهرکهای خوابگاهی

از جمله استراتژی‌ها و راه‌حلهائی که بمنظور کاهش بار جمعیتی مادرشهر اتخاذ شده ایجاد شهرکهای خوابگاهی است.

هدف اصلی از ایجاد این نوع سکونتگاه‌ها اسکان بخشی از سرریز جمعیت مادرشهر میباشد. در این شهرکها اسکان با اشتغال توأم نبوده و بهمین سبب مکان یابی شهرکهای

خوابگاهی بدون توجه به استعدادها و قابلیت‌های بالقوه و پتانسیل‌های بالفعل منطقه‌ای در زمینه ایجاد اشتغال انجام میگیرد.

این نوع سکونتگاه‌ها فاقد هویت بوده و به ابتدائی‌ترین تأسیسات و خدمات شهری مجهز نشده و جمعیت ساکن در شهرکهای خوابگاهی معمولاً به بازار کار و خدمات شهری مادر شهر وابسته بوده و الگوی اسکان سرریز جمعیت در شهرکهای خوابگاهی تنها بار سکونتی شهر مادر را کاهش داده است.

در این الگو احساس تعلق و وابستگی به محل اسکان به نحو قابل توجهی کاهش یافته و جمعیت اسکان یافته به اقتضای اسکان در شهرک و اشتغال در مادر شهر در مبدأ سکونت و مقصد اشتغال ریشه نگرفته و حاشیه‌نشین مبدأ و مقصد مهاجرت خود بشمار میروند. در الگوی مهاجرت خانوارهای ساکن شهرکهای خوابگاهی مهاجرت از «شهر به شهرک» غلبه کامل داشته و مهاجرت این گروه به مقصد برخلاف الگوی رایج مهاجرت به مقصد شهرهای اصلی که معمولاً از «روستا به شهر» است از نوع «شهر به شهرک» میباشد.

شهرکهای اقماری

کاستن از بار جمعیتی و فعالیتی مادر شهر و اسکان بخشی از سرریز جمعیت به شکل‌گیری شهرکهای اقماری در کنار شهرهای بزرگ منجر شده است.

در این الگو هدف اصلی تنها به اسکان بخشی از سرریز جمعیتی مادر شهر محدود نشده و ایجاد فرصت‌های شغلی برای بخشی از جمعیت ساکن در محدوده شهرک و یا مراکز جذب نیروی کار نیز پیش‌بینی شده است.

برای دستیابی به این هدف معمولاً بخشی از صنایع و خدمات مادر شهر در مجاورت شهرک اقماری انتقال یافته تا بخشی از سرریز جمعیت اسکان را با اشتغال توأم ساخته و از بار جمعیتی و فعالیتی شهر مادر کاسته شود.

در شهرکهای اقماری پاره‌ای از خدمات شهری پیش‌بینی شده است لیکن خدمات موجود پاسخگوی حداقل نیازهای ساکنین نبوده و شهرکهای اقماری به بازار کار و خدمات شهری مادر شهر وابسته میباشند.

شهرکهای سازمانی

هدف عمده از ایجاد شهرکهای سازمانی اسکان بخشی از نیروی کار در صنایع است. از این دیدگاه بمنظور تسهیل در امر جابجائی نیروی کار در مکان یابی این نوع سکونتگاهها رعایت فاصله مکانی با محل استقرار صنعت از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در شهرکهای سازمانی بر اثر محدود بودن جمعیت ساکن ارائه خدمات شهری مورد نیاز مقرون به صرفه نبوده و اغلب این نوع سکونتگاهها در زمینه تسهیلات آموزشی، بهداشتی و درمانی، فراغتی و مراکز خرید به مراکز شهری وابسته اند.

جمعیت ساکن در شهرکهای سازمانی دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی متفاوت بوده و معمولاً از سه گروه «کارگران»، «کارمندان» و «متخصصین و کارمندان عالیرتبه» تشکیل شده و همین امر به پیدائی دو الگوی متفاوت طبقه بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب و یا تفکیک گروه های شغلی و شکل گیری شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری، شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارمندی و شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی منجر شده است.

در شهرکهای سازمانی فقدان انگیزه مالکیت واحد مسکونی جاذبه شهرک نشینی را بمیزان قابل توجهی کاهش داده است. از سوی دیگر نگهداری شهرکها نیز مقرون به صرفه اقتصادی نبوده و همه ساله هزینه سنگینی را به صنایع تحمیل می کند. بهمین سبب در اغلب شهرکها محدودیتها و تنگناهای موجود در زمینه مرمت و نگهداری به استهلاک زودرس واحدهای مسکونی و کاهش تدریجی عمر مفید این نوع سکونتگاهها منجر شده است.

شهرهای جدید

رشد سریع جمعیت کشور، توسعه شهرنشینی و عدم امکان گسترش شهرهای موجود سبب شده است تا استقرار جمعیت در سرزمین های جدید بعنوان استراتژی و راه حل مطلوب بمنظور تعدیل رشد جمعیت مادر شهر و اسکان سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ مورد توجه قرار گیرد.

بمنظور هویت بخشیدن به شهرهای جدید در نوشهرها اشتغال مقدم براسکان بوده و توأم ساختن اسکان با اشتغال بمنظور جلوگیری از وابستگی جمعیت ساکن در شهرهای جدید به بازار کار مادر شهر در رأس اهداف اجتماعی شهرهای جدید قرار دارد. از این جهت مکان یابی شهرهای جدید باید با بهره گیری از نتایج و دستاوردهای حاصله از مطالعات آمایشی و براساس

شناسائی استعدادها و قابلیت‌های بالقوه و پتانسیل‌های بالفعل منطقه‌ای در زمینه ایجاد اشتغال انجام گرفته و توزیع صحیح فضائی جمعیت و اقتصاد مورد توجه کافی قرار گیرد. جمعیت متقاضی سکونت در شهرهای جدید، معمولاً از سرریز جمعیتی و مهاجرین به مادرشهر تشکیل یافته و از اینرو بمنظور شناخت ساختار جمعیتی، الگوی اشتغال، وضع سکونت و گرایشات مسکن‌گزینی جمعیت بالقوه متقاضی سکونت در شهرهای جدید سرریز جمعیتی و مهاجرین به مادرشهر مورد مطالعه قرار می‌گیرند. پس از نگاهی گذرا به الگوهای اسکان جمعیت در دو دهه اخیر به بررسی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان می‌پردازیم.

بررسی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان در واحدهای کشت و صنعت اشتغال با اسکان توأم بوده و بخشی از نیروی کار شاغل در این واحدها در شهرکهای مسکونی اسکان یافته‌اند.

نگاهی گذرا به شهرک‌سازی و اسکان جمعیت در شهرکهای سازمانی کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان حاکی از آنست که شهرک‌سازی و اسکان جمعیت با بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای حاصله از مطالعات اقتصادی - اجتماعی توأم نبوده است. قبل از شهرک‌سازی ساختار جمعیتی و ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت بالقوه متقاضی سکونت در شهرکها مشخص نشده و بهمین سبب طراحی مسکن، محله و شهرک بدون توجه به وضع سکونت، نیازها و فرهنگ سکونتی و گرایشات مسکن‌گزینی جمعیت متقاضی سکونت در شهرکها انجام گرفته است.

عدم توجه به گرایشات مردمی و کارکردهای ارتباطی و آموزشی معماری به پراکندگی شهرکهای سازمانی و استفاده از الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس تفکیک گروه‌های شغلی به افتراق اجتماعی و دوگانگی چهره و طبقاتی شدن سیمای شهرکها منجر شده است. استفاده از الگوی استقرار مبتنی بر تفکیک شهرکها و به تبع آن پراکنده شدن جمعیت، منابع و امکانات سبب شده است تا ارائه خدمات شهری به این شهرکها مقرون به صرفه اقتصادی نبوده و شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان با کمبودها، نارسائی‌ها و تنگناهای خدماتی متعددی مواجه بوده و در تمامی زمینه‌ها به مراکز شهری وابسته باشند.

وابستگی این سکونتگاه‌ها به شهرها به بی‌هویتی شهرکهای سازمانی و پراکندگی جمعیت در شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری و کارمندی به انزوای اجتماعی ساکنین و عدم استفاده از الگوی مطلوب معماری در شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی به دوگانگی چهره و سیمای شهرک و جدا افتادگی کارگران و کارمندان منجر شده است. متناسب نبودن الگوی معماری با نیازها و فرهنگ سکونتی و گرایشات مسکن‌گزینی اقشار مختلف متقاضی سکونت در شهرکها، استفاده از الگوی مسکن آپارتمانی در محله‌های کارگرنشین که ساکنین آن بطور عمده از صاحب نسقان زراعی روستاهای واقع در محدوده عملیاتی کشت و صنعت‌ها بشمار رفته که با واگذاری نسق زراعی به کشت و صنعت انتقال یافته و در شهرکهای مسکونی اسکان یافته‌اند، فقدان فضای آزاد (حیاط) در واحد مسکونی بویژه در محله‌های پرجمعیت کارگر نشین، عدم توجه به کارکرد استراحتی فضای آزاد (حیاط) در واحد مسکونی در بخش عمده‌ای از سال بر اثر شرایط اقلیمی خوزستان، اختصاص سرانه‌های سکونتی براساس استانداردهای یکنواخت و در اغلب موارد غیرکارآمد، بی‌توجهی به کارکرد فضاها در واحد مسکونی، مکان‌یابی نامناسب بمنظور استقرار تجهیزات و متعلقات مسکن از جمله تلفیق توالت و حمام در بخش قابل توجهی از واحدهای مسکونی، عدم توجه به کارکرد پنجره و نقش آن در تلطیف هوا، نور و زیباسازی فضای درونی و بیرونی مسکن، بکارگیری مصالح ساختمانی ناسازگار با شرایط اقلیمی منطقه و در یک کلام استفاده از تجربه‌های ناسازگار و غیرکارآمد در امر شهرک‌سازی میزان سازگاری و انطباق با واحد مسکونی را در شهرکهای سازمانی کشت و صنعت کارون و هفت‌تپه خوزستان بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است.

الگوی استقرار شهرکها

در واحدهای کشت و صنعت کارون و هفت‌تپه خوزستان الگوی غالب اسکان جمعیت مبتنی بر تفکیک گروه‌های شغلی بوده و بهمین سبب الگوی استقرار مبتنی بر تفکیک شهرکها مورد توجه قرار گرفته است.

استفاده از این الگو به پراکندگی جمعیت و امکانات منجر شده و بهمین سبب ارائه خدمات شهری به شهرکهای پراکنده مقرون به صرفه اقتصادی نبوده و شهرکهای مورد بررسی به حداقل خدمات شهری مجهز نشده و فاقد هویت میباشند.

با توجه به این امر بنظر میرسد استراتژی و راه‌حل مناسب بمنظور ارائه خدمات شهری به این نوع سکونتگاه‌ها استفاده از الگوی استقرار مبتنی بر تجمیع شهرکهای سازمانی است.

در این الگو ارائه خدمات شهری مقرون به صرفه اقتصادی بوده و تجمع جمعیت و تمرکز امکانات در هویت بخشیدن به شهرکهای سازمانی مؤثر است لیکن در صورتیکه در الگوی تجمع شهرکها به حد مطلوب جمعیت توجه کافی بعمل نیامده و جمعیت اسکان یافته در شهرک از حد معین فراتر رود تجمع بیش از اندازه جمعیت در یک نقطه بتدریج عوارض و پیآمدهای زیان باری را به همراه خواهد داشت.

در زمینه عوارض و پیآمدهای ناشی از تجمع بیش از اندازه جمعیت در یک نقطه دیدگاههای گوناگونی ارائه شده است.

«فردیناند تونیس» روابط نخستین و چهره به چهره اجتماعات محدود نوع روستا و روابط ثانویه، فاصله دار و حسابگرانه موجود در شهرها را از هم متمایز ساخته و دونوع همبستگی اجتماعی را در این جوامع مشخص ساخته و آنها را اجتماع «گمین شافت» و «گزل شافت» نامیده است.

وی مشخصه اصلی روابط و مناسبات موجود در گمین شافت را عاطفی بودن، متقابل بودن، فطری و طبیعی بودن و صفت بارز روابط و مناسبات موجود در گزل شافت را فردگرایی، خودخواهی و خشونت میداند.

«امیل دورکیم» در طبقه بندی خود دو نوع همبستگی اجتماعی را متمایز ساخته است. به اعتقاد وی در جامعه ای که مبتنی بر همبستگی مکانیکی است انتظام اجتماعی بیشتر بر تشابه و همانندی مردم استوار است و افراد از قوانین، مقررات و سنت یکسانی پیروی میکنند در حالیکه جامعه مبتنی بر همبستگی ارگانیکی براساس عدم تشابه افراد قرار دارد. افراد از نظر شغل، عقیده، فکر و ذوق و سلیقه با یکدیگر تفاوت داشته و آنچه که باعث ارتباط متقابل بین افراد میشود نیازهای متقابل آنان است. دورکیم پیچیده شدن تقسیم کار اجتماعی را عامل مؤثری در تبدیل همبستگی مکانیکی به ارگانیکی دانسته و عقیده دارد تقسیم کار و همبستگی ارگانیکی فردگرایی را رواج داده و باعث گسیختگی فرد از خانواده میگردد.

در باب عواقب و پیآمدهای حاصله از کثرت، انبوهی و تراکم و نامتجانس بودن جمعیت در یک نقطه دیدگاه «لوئیس وایرث» از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

به اعتقاد وی تجمع بیش از اندازه جمعیت در یک نقطه روابط و مناسبات اجتماعی را دگرگون ساخته و روابط نخستین و چهره به چهره را به روابط ثانویه و فاصله دار مبدل ساخته و انسجام مکانیکی را تضعیف و شرائط آنومیک را تشدید مینماید. تراکم و انبوهی جمعیت سبب پیچیده تر شدن ساختار اجتماعی و تعمیق نابرابری های اقتصادی - اجتماعی شده و ناهمگونی و

نامتجانس بودن جمعیت به تنوع ارزش‌ها، ناسازگاری اجتماعی، انحراف و کجرفتاری منجر می‌شود.^۲

<p>هر اندازه تعداد افراد در حال تعامل بیشتر تحرک بالاتر هرچه وابستگی به تعداد انبوهی از انسانها بیشتر اتکاء به انسانهای بخصوص کمتر هر اندازه ارتباط با افراد انسانی بیشتر آگاهی و شناخت از یکدیگر بالنسبه محدودتر و همدلی و روابط صمیمانه کمتر هرچه ارتباطات و برخوردهای مبتنی بر روابط ثانویه بیشتر روابط رسمی، غیر شخصی و تصنعی و جزئی افزون‌تر هر اندازه تعداد گروه‌های اجتماعی بیشتر تحرک گروهی بالاتر، امکان عضویت در گروه‌های نامتجانس بیشتر و رهائی از سلطه کنترل گروه‌های همدل و صمیمی بیشتر.</p>	<p>اندازه جمعیت (Size) افزایش بی‌رویه و خارج از حد معین جمعیت در یک نقطه تغییر در روابط انسانی</p>
---	--

تضعیف انسجام مکانیکال - تشدید شرائط آنومیک

<p>میل به انفکاک و تخصص جدائی و فاصله مکانی بین محل سکونت و کار تخصص همراه با کارکردهای فرد در حوزه‌های معین انشقاق و انشعاب مردم به گروه‌ها، قشرها و طبقات مختلف</p> <p>عدم تشکل - نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی ستیز و تضاد</p>	<p>انبوهی و تراکم (Density) تراکم با تشدید کردن تأثیرات اندازه جمعیت سبب تنوع و تفاوت در افراد انسانی و فعالیتهای آنان شده و نتیجتاً پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعی</p>
--	---

عدم تجانس
و ناهمگونی
(Heterogeneity)

شهرها بدست
مهاجرین و مردمانی
از ریشه‌های قومی
فرهنگی، نژادی
و اجتماعی گوناگون
ساخته میشود
ناهمگونی در اصل
و نسب ساکنین
شهرها سبب
تنوع و تفاوت
در روابط آنها
میگردد

بعلت فقدان زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ارزشی مشترک
روابط و فعالیتها متنوع و ناهمگون شده و بر شناسائی بصری و
عینی تاکید میشود
بر اثر فقدان نظام ارزشی و هنجارهای مشترک و سیستم اخلاقی
منسجم پول بیش از هرچیز بعنوان معیاری جهت ارزش‌گذاری
مطرح میشود
کنترل رسمی بر کنترل غیر رسمی غلبه می‌یابد
ساعت و علائم ترافیک بمثابه ارکان سمبلی نظم اجتماعی مورد
توجه قرار می‌گیرد
پایه‌های اقتصادی براساس تولید انبوه کالاها و استاندارد کردن
فراشد تولید متکی میگردد
خدمات آموزشی، فرهنگی و تفریحی با مقتضیات جامعه و
نیازهای عمومی انطباق می‌یابد

تنوع ارزشها - ناسازگاری اجتماعی - انحراف و کجرفتاری

ساخت اجتماعی شهرکها

الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب و یا تفکیک گروه‌های اجتماعی متقاضی سکونت در شهرکها ساخت اجتماعی شهرکها را متأثر می‌سازد. الگوی اسکان جمعیت براساس تفکیک گروه‌های اجتماعی شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری و یا کارمندی را سامان داده و الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب گروه‌های اجتماعی شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی را پی میریزد. با نگاهی گذرا به ساختار شغلی خانوارهای اسکان یافته در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت‌تپه خوزستان میتوان شهرکهای مسکونی را از نقطه‌نظر ساخت اجتماعی به سه گروه متمایز تقسیم نمود:

- ۱- شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری
- ۲- شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارمندی
- ۳- شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی

شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری

استفاده از الگوی اسکان جمعیت براساس افتراق گروه‌های اجتماعی به جدائی مکانی سکونتگاه‌های کارگری و کارمندی در کشت و صنعت کارون و هفت‌تپه منجر شده است. در الگوی ترکیب شغلی خانوارهای اسکان یافته در بعضی از شهرکهای مسکونی مانند «پمپ استیشن» و «سلمان فارسی» کشت و صنعت هفت‌تپه جمعیت ساکن از کارگران تشکیل یافته و بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت را خانوارهای صاحب نسق زراعی آبادی‌های واقع در محدوده عملیاتی کشت و صنعت هفت‌تپه تشکیل می‌دهند.

در این سکونتگاه‌ها که شهرکهای کارگری بشمار می‌روند الگوی معیشت شهری و روستائی در هم آمیخته و گروهی از خانوارهای شهرک‌نشین کارگری را با دامداری توأم ساخته و بخشی از فضای مسکن را به نگهداری دام اختصاص داده‌اند. از ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها محدود بودن فضای سکونتی، تراکم جمعیت، محدود بودن فضای آزاد در الگوی ترکیب فضائی واحد مسکونی، کمبود و نارسائی در خدمات زیربنائی و آلودگی محیط زیست میباشد.

شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارمندی

در بعضی از شهرکهای مسکونی کشت و صنعت، کارون و هفت تپه بخش عمده جمعیت از خانوارهای کارمند تشکیل شده است. این سکونتگاه‌ها که شهرکهای کارمندی نامیده میشوند علیرغم آنکه در کشت و صنعت‌های کارون و هفت تپه دارای ویژگی‌های کاملاً مشابهی نیستند اما در مقایسه با شهرکهای کارگری از خصوصیات ویژه‌ای برخوردارند که این ویژگی‌ها عبارت از فضای سکونتی نسبتاً کافی، جمعیت کم، مجهز بودن مسکن به فضای آزاد و برخورداری نسبی از تأسیسات و تجهیزات همگانی میباشد. شهرک نی‌آباد کشت و صنعت کارون که ۹۸ درصد خانوارهای ساکن در آن را کارمندان تشکیل میدهند و شهرک ایلام و محوطه صنعتی که کلیه خانوارهای ساکن در آن از کارمندان تشکیل شده نمونه‌هایی از شهرکهای کارمندی بشمار میروند.

شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی

الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب گروه‌های اجتماعی شهرکهای کارگری - کارمندی را بوجود آورده است. شهرکهای بوستان و شوشترنو کشت و صنعت کارون که به ترتیب ۸۰ و ۸۲ درصد خانوارهای ساکن در آنها کارگران و ۲۰ و ۱۸ درصد را کارمندان تشکیل میدهند نمونه‌هایی از شهرکهای کارگری - کارمندی بشمار میروند. این شهرکها معمولاً چهره‌ای دوگانه داشته و در بخشی از شهرک که در آن کارگران اسکان یافته‌اند فضای سکونتی محدود، الگوی معماری سرهم بندی شده، تراکم جمعیت و درهم آمیختن دو شیوه معیشت روستائی و شهری و در قسمی دیگر از شهرک که کارمندان اسکان داده شده‌اند جمعیت کم، فضای سکونتی کافی و الگوی معماری مناسب مرزبندی‌های عمیق‌زیستی را بخوبی نشان میدهد.

توزیع شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون برحسب ساخت اجتماعی

نام شهرک	ساخت اجتماعی	کارگر		کارمند		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بوستان	کارگری، کارمندی	۴۰۴	۸۰	۱۰۰	۲۰	۵۰۴	۱۰۰
نی آباد	کارمندی	۱۰	۲	۴۸۱	۹۸	۴۹۱	۱۰۰
شوشترنو	کارگری	۲۵۷	۸۲	۱۰۰	۱۸	۵۵۷	۱۰۰
جمع	—	۸۷۱	۵۶	۶۸۱	۴۴	۱۵۵۲	۱۰۰

توزیع شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه برحسب ساخت اجتماعی

نام شهرک	ساخت اجتماعی	کارگر		کارمند		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
محوطه صنعتی	کارمندی	—	—	۴۰۵	۱۰۰	۴۰۵	۱۰۰
ایلام	کارمندی	—	—	۱۱۹	۱۰۰	۱۱۹	۱۰۰
پمپ استیشن	کارگری	۱۴۶	۱۰۰	—	—	۱۴۶	۱۰۰
سلمان فارسی	کارگری	۶۰۰	۱۰۰	—	—	۶۰۰	۱۰۰
جمع	—	۷۴۶	۵۸/۵	۵۲۴	۴۱/۵	۱۲۷۰	۱۰۰

مالکیت مسکن در شهرکهای سازمانی

از جمله عوامل بازدارنده و موانعی که بر سر راه کشت و صنعت‌های کارون و هفت تپه قرار دارد مالکیت مسکن در شهرکهای سازمانی است. این امر همه ساله هزینه‌های سنگینی را به کشت و صنعتها تحمیل کرده و بر اثر تنگناهای موجود در زمینه مرمت و نگهداری شهرکها به استهلاک زودرس واحدهای مسکونی و کاهش تدریجی عمر مفید سکونتگاهها منجر شده و جاذبه شهرک نشینی را نیز در کشت و صنعتها کاهش داده است.

نگاهی گذرا به مشکلات موجود در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه حاکی از آنست که بخش قابل ملاحظه‌ای از تنگناهای سکونتی ناشی از محدودیت‌های اقتصادی در زمینه نگهداری شهرکهای مسکونی است.

مطالعات مادر شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه گویای این واقعیت است که دشواری‌هایی چون «نارسائی در سیستم لوله کشی و برق کشی ساختمان»، «عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن» و بالاخره «مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع» که ناشی از محدودیت‌ها و تنگناهای موجود در زمینه نگهداری مسکن و متعلقات آنست با ۱۱ درصد، ۱۰/۵ درصد و ۹/۵ درصد به ترتیب سومین، چهارمین و پنجمین مشکل خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه را تشکیل داده و به عبارت دیگر در شهرکهای مورد بررسی ۳۱ درصد مشکلات مسکن ناشی از عوامل بازدارنده و موانع موجود بر سر راه نگهداری مسکن و تجهیزات و متعلقات آن میباشد.

بدین ترتیب تنگناهای اقتصادی موجود بر سر راه نگهداری واحدهای مسکونی و تأسیسات همگانی در شهرکها و فقدان انگیزه مالکیت در شهرکهای مسکونی و به تبع آن تضعیف حس مسئولیت در بین خانوارهای ساکن در امر نگهداری واحد مسکونی و تأسیسات عمومی شهرک لزوم بازبینی مجدد آثار و عوارض ناشی از مالکیت سازمانی واحدهای مسکونی و تجدید نظر در الگوی مالکیت مسکن در شهرکهای سازمانی را ایجاب مینماید.

نگاهی گذرا به الگوی اشتغال در کشت و صنعت کارون و هفت تپه حاکی از آنست که بخش قابل ملاحظه‌ای از ساکنین شهرکهای مسکونی را صاحب نسقان زارعی آبادی‌های واقع در محدوده عملیاتی کشت و صنعت‌ها تشکیل داده که در جریان انتقال از بخش کشاورزی به صنعت سلب مالکیت شده و به جز مسکن، نسق زراعی و به تبع آن مدیریت واحد بهره‌برداری را از دست داده و با توجه به اینکه در جوامع روستائی مالکیت زمین ملاک عمده هویت و منزلت اجتماعی بشمار میرود این بخش از جمعیت با انتقال به کشت و صنعت و اسکان در شهرکهای سازمانی منزلت اجتماعی خود را از دست داده و در وضعیت «بی قدرتی» Powerlessness به عنوان یکی از شاخص‌های مهم از خود بیگانگی اجتماعی قرار میگیرند. این گروه در جریان جابجائی از بخش کشاورزی به صنعت و بدنبال از دست دادن مالکیت زمین به گفته جرج زیمل جامعه‌شناس معروف آلمانی از نقطه نظر اقتصادی و خلاقیت فردی و آزادی عمل در حیطه کاری توانائی‌های بالقوه و قابلیت‌های بالفعل خود را از دست داده و در معرض بی قدرتی و از خود بیگانگی اجتماعی قرار دارند.

ویژگی های جمعیتی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه

ترکیب سنی

در ترکیب سنی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای سه گانه کشت و صنعت کارون درصد افراد کمتر از ۱۵ سال ۵۲/۵ درصد است. این نسبت در شهرکهای مختلف متغیر بوده و از ۵۱/۵ درصد (شوشترنو) تا ۵۵/۱ درصد (نی آباد) نوسان دارد.

سهم جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال که سن کار و فعالیت است در الگوی ترکیب سنی خانوارهای ساکن شهرکهای مسکونی مورد مطالعه ۴۷/۳ درصد است که این نسبت در شهرکهای سه گانه از ۴۴/۹ درصد (نی آباد) تا ۴۸/۴ درصد (شوشترنو) متغیر میباشد.

در الگوی ترکیب سنی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی چهارگانه کشت و صنعت هفت تپه نیز سهم جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۳۶/۸ درصد است که این نسبت در شهرکهای مختلف از ۳۰ درصد (محوطه صنعتی) تا ۴۴/۵ درصد (سلمان فارسی) نوسان دارد.

سهم جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال نیز در شهرکهای مورد بررسی ۶۳/۲ درصد است که این نسبت در شهرکهای چهارگانه از ۵۲/۱ درصد (سلمان فارسی) تا ۷۰ درصد (محوطه صنعتی) متغیر میباشد.

ترکیب سنی اعضای خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

نام شهرک	کمتر از ۱۵ سال	۱۵ تا ۶۴ سال	۶۵ سال و بیشتر	جمع
بوستان	۵۲/۸	۴۷/۲	-	۱۰۰
شوشترنو	۵۱/۱	۴۸/۴	۰/۵	۱۰۰
نی آباد	۵۵/۱	۴۴/۹	-	۱۰۰
جمع	۵۲/۵	۴۷/۳	۰/۲	۱۰۰

ترکیب سنی اعضای خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

نام شهری	کمتر از ۱۵ سال	۱۵ تا ۶۴ سال	۶۵ سال و بیشتر	جمع
سلمان فارسی	۴۴/۵	۵۴/۳	۱/۲	۱۰۰
محوطه صنعتی	۳۰	۶۹/۵	۰/۵	۱۰۰
ایلام	۴۰/۳	۵۷/۲	۲/۵	۱۰۰
پمپ استیشن	۳۶	۶۳	۱	۱۰۰
جمع	۳۶/۸	۶۲/۲	۱	۱۰۰

بعد خانوار

در الگوی ترکیب خانوارهای نمونه از نقطه نظر تعداد اعضاء سهم غالب به خانوارهای کثیرالعائله (دارای ۷ عضو و بیشتر) اختصاص داشته و ۵۱/۵ درصد خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه دارای ۷ عضو و بیشتر میباشند.

سهم خانوارهای معمولی (دارای ۵ و ۶ عضو) در ترکیب خانوارهای مورد بررسی ۲۸/۵ درصد و نسبت خانوارهای دارای ابعاد کوچکتر (۱ تا ۴ عضو) ۲۰ درصد میباشد. در گروه شغلی کارگری خانوارهای کثیرالعائله دارای ۷ عضو و بیشتر با ۷۱ درصد رایج ترین نوع خانوار و در گروه شغلی کارمندی خانوارهای معمولی دارای ۵ و ۶ عضو با ۳۸ درصد معمولترین نوع خانوار بشمار می رود. سهم خانوارهای معمولی (دارای ۵ و ۶ عضو) در گروه شغلی کارگری ۱۸ درصد و نسبت خانوارهای دارای ابعاد کوچکتر (۱ تا ۴ عضو) ۱۱ درصد و در گروه شغلی کارمندی نسبت خانوارهای کثیرالعائله دارای ۷ عضو و بیشتر ۳۳/۵ درصد و سهم خانوارهای دارای ۱ تا ۴ عضو ۲۸/۵ درصد است.

ترکیب خانوارهای کارگر و کارمند. نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفته تپه برحسب تعداد اعضاء

جمع	خانوارهای کثیر العائله (۷ عضو و بیشتر)	خانوارهای معمولی (۵ و ۶ عضو)	خانوارهای دارای ابعاد (۱ تا عضو)	وسعت خانوار گروه شغلی
۱۰۰	۷۱	۱۸	۱۱	کارگر
۱۰۰	۳۳/۵	۲۸	۲۸/۵	کارمند
۱۰۰	۵۱/۵	۲۸/۵	۲۰	جمع

وضع سواد و میزان تحصیل

نسبت باسوادی در خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون از ۸۸ درصد (شهرک بوستان) تا ۹۹ درصد (شهرک نی آباد) و در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه نیز از ۷۹ درصد (شهرک سلمان فارسی) تا ۹۹/۳ درصد (شهرک ایلام) نوسان دارد.

میزان تحصیل ۴۷ درصد جمعیت باسواد ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون ابتدائی یا کمتر، ۳۶ درصد کمتر از دیپلم، ۱۳/۵ درصد دیپلم، ۱/۵ درصد فوق دیپلم و ۲ درصد لیسانس و بالاتر است.

میزان تحصیل ۳۳/۸ درصد جمعیت باسواد ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفته تپه نیز ابتدائی یا کمتر، ۴۴ درصد کمتر از دیپلم، ۵/۷ درصد دیپلم، ۴/۵ درصد فوق دیپلم و ۲ درصد بقیه لیسانس و بالاتر میباشد.

میزان تحصیل اعضای خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

جمع	لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم یا کمتر از لیسانس	دیپلم	کمتر از دیپلم	ابتدائی یا کمتر	میزان تحصیل نام شهرک
۱۰۰	۱	۱	۹/۵	۳۸/۵	۵۰	بوستان
۱۰۰	-	۱/۳	۵/۵	۴۲/۵	۵۰/۷	شوشتر نو
۱۰۰	۶/۵	۳	۳۰/۳	۲۳/۵	۳۶/۷	نی آباد
۱۰۰	۲	۱/۵	۱۳/۵	۳۶	۴۷	جمع

میزان تحصیل اعضای خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

نام شهرک	میزان تحصیل	ابتدائی یا کمتر	کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم یا کمتر از لیسانس	لیسانس و بالاتر	جمع
سلمان فارسی	۴۱	۴۷/۵	۹/۵	۱	۱	۱۰۰	
محوطه صنعتی	۲۸	۲۳	۱۹	۷/۵	۲/۵	۱۰۰	
ایلام	۳۰	۳۱/۷	۲۸/۵	۸	۱/۸	۱۰۰	
پمپ استیشن	۳۶/۴	۴۹/۴	۱۰/۴	۱/۳	۲/۵	۱۰۰	
جمع	۳۳/۸	۴۴	۱۵/۷	۴/۵	۲	۱۰۰	

درآمد ماهانه

میزان درآمد ماهانه رؤسای خانوارهای نمونه کارگر و کارمند ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه از ۳۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر نوسان دارد. درآمد ماهانه ۸۳ درصد کارگران بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، ۱/۸ درصد کمتر از ۵۰۰۰۰ ریال و ۵/۲ درصد بقیه بین ۱۰۰۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰۰ ریال و متوسط درآمد در گروه کارگران ۶۸۸۰۰ ریال میباشد.

میزان درآمد ماهانه رؤسای خانوارهای نمونه کارمند ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه نیز از ۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر نوسان داشته و ۶۲/۷ درصد کارمندان مورد بررسی بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، ۳۳/۳ درصد بین ۱۰۰۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر و ۴ درصد بقیه تا ۵۰۰۰۰ ریال و متوسط درآمد ماهانه در گروه کارمندان ۹۰۰۸۰ ریال می باشد.

وضع سکونت

الگوی مسکن

در اغلب شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه الگوهای مختلف مسکن در هم آمیخته و ترکیب نامتجانسی از الگوهای مختلف مسکن بچشم میخورد.

الگوی مسکن مجردی

در این الگو مسکن در ابتدائی ترین شکل با کارکردی بسیار محدود طراحی شده است. واحدهای مسکونی معمولاً بصورت خطی و در مجاورت هم ساخته شده و از نظر مساحت، نحوه استقرار فضاها در واحد مسکونی و سرانه‌های اختصاص یافته مشابه بوده و فاقد فضای آزاد (حیاط) میباشد. نمونه بارز این الگو در شهرک بوستان کشت و صنعت کارون وجود دارد. این واحدها که لین نامیده میشوند در آغاز بمنظور اسکان کارگران مجرد کره‌ای ساخته شد لیکن کارگران نی بر فصلی در آن اسکان داده شدند و بتدریج با افزایش تقاضای مسکن در کشت و صنعت کارون و محدودیتها و تنگناهای موجود بر سر راه توسعه کمی فضای سکونتی شهرکها واحدهای مذکور در اختیار خانوارهای کارگر شاغل در کشت و صنعت قرار گرفت و خانوارهای ساکن پیرامون واحد مسکونی حصار کشیده و پاره‌ای از تجهیزات و متعلقات مورد نیاز مسکن را در فضای آزاد احداث نموده‌اند.

الگوی تک واحدی

الگوی غالب مسکن در اغلب شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه الگوی مسکن تک واحدی است. این الگو در شهرک نی‌آباد کشت و صنعت کارون، شهرک ایلام، پمپ‌استیشن و سلمان فارسی کشت و صنعت هفت تپه الگوی غالب مسکن بشمار رفته و ۵۹/۵ درصد واحدهای مسکونی شهرک ایلام و کلیه واحدهای مسکونی پمپ‌استیشن و سلمان فارسی را زیر پوشش دارد.

الگوی آپارتمانی

الگوی مسکن آپارتمانی در بعضی از شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه در کنار سایر الگوهای مسکن مورد استفاده قرار گرفته است. این الگو در شهرک شوشترنو الگوی غالب مسکن بشمار رفته و ۶۳/۷ درصد واحدهای مسکونی را زیر پوشش دارد. در شهرک نی‌آباد کشت و صنعت کارون و شهرک ایلام کشت و صنعت هفت تپه به ترتیب ۴۰/۵ درصد و ۱۴/۳ درصد واحدهای مسکونی آپارتمان میباشد.

مساحت واحد مسکونی

مساحت واحد مسکونی خانوارهای نمونه در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه از ۵۰ تا ۶۰۰ مترمربع نوسان داشته و معمولترین نوع مسکن از نقطه نظر مساحت، واحد مسکونی کمتر از ۱۰۰ مترمربع است.

براساس اطلاعات موجود مساحت واحد مسکونی ۳۶/۸ درصد خانوارهای نمونه ساکن در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه کمتر از ۱۰۰ مترمربع، ۳۰/۸ درصد از ۱۰۰ تا ۱۹۹ مترمربع، ۱۱/۶ درصد از ۲۰۰ تا ۲۹۹ مترمربع، ۶/۱ درصد از ۳۰۰ تا ۳۹۹ مترمربع، ۶ درصد از ۴۰۰ تا ۴۹۹ مترمربع، ۳ درصد از ۵۰۰ تا ۵۹۹ مترمربع و ۵/۷ درصد ۶۰۰ مترمربع و بیشتر است.

رایج ترین نوع مسکن در گروه کارگری واحد مسکونی کمتر از ۱۰۰ مترمربع است و مساحت واحد مسکونی ۴۴ درصد خانوارهای کارگر کمتر از ۱۰۰ مترمربع میباشد و معمولترین نوع مسکن در گروه کارمندی واحد مسکونی ۱۰۰ تا ۱۹۹ مترمربع بوده و مساحت واحد مسکونی ۳۳/۱ درصد خانوارهای کارمند ۱۰۰ تا ۱۹۹ مترمربع میباشد.

زیربنای واحد مسکونی

مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه از ۵۰ تا ۴۰۰ مترمربع متغیر بوده و معمولترین زیربنای واحد مسکونی کمتر از ۱۰۰ مترمربع میباشد.

براساس اطلاعات موجود مساحت زیربنای واحد مسکونی ۶۱ درصد خانوارهای مورد بررسی کمتر از ۱۰۰ مترمربع، ۳۲/۵ درصد از ۱۰۰ تا ۱۹۹ مترمربع، ۴/۵ درصد از ۲۰۰ تا ۲۹۹ مترمربع و ۲ درصد بقیه از ۳۰۰ تا ۳۹۹ مترمربع میباشد.

معمولترین مساحت زیربنای واحد مسکونی در گروه کارگری و کارمندی کمتر از ۱۰۰ مترمربع بوده و مساحت زیربنای واحد مسکونی ۷۱/۷ درصد خانوارهای کارگر و ۵۱/۳ درصد خانوارهای کارمند کمتر از ۱۰۰ مترمربع میباشد.

مساحت فضای آزاد

مساحت فضای آزاد (حیاط) واحد مسکونی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه از ۵۰ تا ۶۰۰ مترمربع نوسان دارد. معمولترین فضای آزاد

واحد مسکونی کمتر از ۱۰۰ مترمربع است و مساحت فضای آزاد ۶۴/۶ درصد خانوارهای نمونه کمتر از ۱۰۰ مترمربع، ۱۳/۹ درصد از ۱۰۰ تا ۱۹۹ مترمربع، ۹/۷ درصد از ۲۰۰ تا ۲۹۹ مترمربع، ۳/۱ درصد از ۳۰۰ تا ۳۹۹ مترمربع، ۱/۷ درصد از ۴۰۰ تا ۴۹۹ مترمربع، ۲/۲ درصد از ۵۰۰ تا ۵۹۹ مترمربع و ۴/۸ درصد بقیه ۶۰۰ مترمربع میباشد.

مساحت فضای آزاد (حیاط) واحد مسکونی ۷۷/۸ درصد خانوارهای کارگر و ۵۰/۷ درصد خانوارهای کارمند کمتر از ۱۰۰ مترمربع است.

تعداد اتاق

تعداد اتاق واحد مسکونی خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه از ۱ تا ۵ اتاق متغیر بوده و رایج ترین نوع واحد مسکونی مسکن ۲ اتاقه است.

براساس اطلاعات موجود واحد مسکونی نیمی از خانوارهای نمونه دارای ۲ اتاق، ۵ درصد دارای ۱ اتاق، ۳۷/۴ درصد دارای ۳ اتاق، ۶/۸ درصد دارای ۴ اتاق و ۰/۸ درصد بقیه دارای ۵ اتاق میباشد.

معمولترین نوع مسکن در گروه کارگری واحد مسکونی ۱۲ اتاقه و متداولترین نوع واحد مسکونی در گروه کارمندی مسکن ۳ اتاقه بوده و واحد مسکونی ۵۸/۴ درصد خانوارهای کارگر دارای ۲ اتاق و ۴۳/۷ درصد خانوارهای کارمند دارای ۳ اتاق میباشد.

مشکلات مسکن

در شهرکهای مسکونی مورد بررسی مشکلات موجود در زمینه مسکن میزان سازگاری و انطباق با واحد مسکونی را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است.

مطالعات مادر شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون حاکی از آنست که «محدود بودن فضای سکونتی» مهمترین مشکل مسکن بشمار رفته و ۳۳ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای سه گانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۱۷/۷ درصد (شوشترنو) تا ۴۳/۵ درصد (نی‌آباد) نوسان دارد. دومین مشکل مسکن در شهرکهای مورد بررسی «نارسائی در سیستم لوله کشی و برق کشی ساختمان» است که ۱۴/۲ درصد خانوارها از آن نام برده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت و نسبت آن از ۵/۸ درصد (شوشترنو) تا ۱۹/۵ درصد (نی‌آباد) متغیر است. سومین مشکل مسکن «متناسب نبودن مصالح

ساختمانی بکار رفته در واحد مسکونی با شرایط اقلیمی و اصول ایمنی» است که ۱/۸ درصد خانوارها به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل نیز در شهرکهای مسکونی سه‌گانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۴/۴ درصد (نی‌آباد) تا ۱۴/۵ درصد (شوشرنو) نوسان دارد. سپس به ترتیب «فقدان و یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط)» با ۱۰ درصد، «مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع» با ۹/۵ درصد، «عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن» با ۸/۵ درصد، «توأم بودن حمام و توالت»، با ۵/۲ درصد، «فقدان حصار پیرامون خانه‌ها» با ۳/۵ درصد، «کامل نبودن واحد مسکونی» با ۲/۸ درصد و بالاخره «برخوردار نبودن واحد مسکونی از نور و روشنایی کافی» با ۱/۵ درصد قرار دارد.

مشکلات مسکن خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

نام شهرک	نوع مشکل	محدود بودن	نرسائی در سیستم لوله‌کشی و برق‌کشی ساختمان	متناسب نبودن مصالح ساختمانی بکار رفته در واحد مسکونی با شرایط اقلیمی و اصول ایمنی	فقدان و یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط)	مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع	عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن	نوام بودن حمام و توالت	فقدان حصار پیرامون خانه‌ها	کامل نبودن واحد مسکونی از نور و روشنایی کافی	جمع
پوسان	۳۳/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۹	۸/۲	۸	۲/۵	۲	۲/۲	۱/۵	۱۰۰
نی‌آباد	۳۳/۵	۱۹/۵	۲/۴	۶/۵	۲/۴	۲/۱	۸/۷	۲/۴	۴/۴	۲/۱	۱۰۰
شوشرنو	۱۷/۷	۵/۸	۱۱/۸	۱۷/۷	۲۰/۵	۲۰/۵	۲	-	۳	-	۱۰۰
جمع	۳۳	۱۴/۲	۱۱/۸	۱۰	۸/۵	۹/۵	۵/۲	۳/۵	۲/۸	۱/۵	۱۰۰

در شهرکهای مسکونی چهارگانه کشت و صنعت هفت‌تپه نیز «محدود بودن فضای مسکونی» در رأس مشکلات مسکن قرار داشته و ۲۵ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره کرده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۲۳/۸ درصد (سلمان فارسی) تا ۳۰/۵ درصد (محوطه صنعتی) نوسان دارد. دومین مشکل مسکن در شهرکهای چهارگانه «مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع» است که ۲۲/۵ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند و اهمیت آن در شهرکهای مورد مطالعه متفاوت و نسبت آن از ۱۹ درصد (سلمان فارسی) تا ۵۰ درصد (ایلام) متغیر است. سومین مشکل مسکن در شهرکهای مورد بررسی «عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن» است که ۱۳/۷ درصد خانوارهای نمونه

به آن اشاره کرده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد مطالعه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۱۲ درصد (سلمان فارسی) تا ۴۰ درصد (پمپ استیشن) نوسان دارد. سپس به ترتیب «توام بودن حمام و توالت» با ۱۲/۵ درصد، «متناسب نبودن مصالح ساختمانی بکار رفته در واحد مسکونی با شرایط اقلیمی و اصول ایمنی» با ۸/۷ درصد، «برخوردار نبودن واحد مسکونی از نور و روشنایی کافی» با ۵ درصد، «نارسائی در سیستم لوله کشی و برق کشی ساختمان»، «فقدان حصار پیرامون خانه‌ها» و «فقدان یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط) هریک با ۳/۸ درصد و بالاخره «کامل نبودن واحد مسکونی» با ۱/۲ درصد قرار دارد.

مشکلات مسکن خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

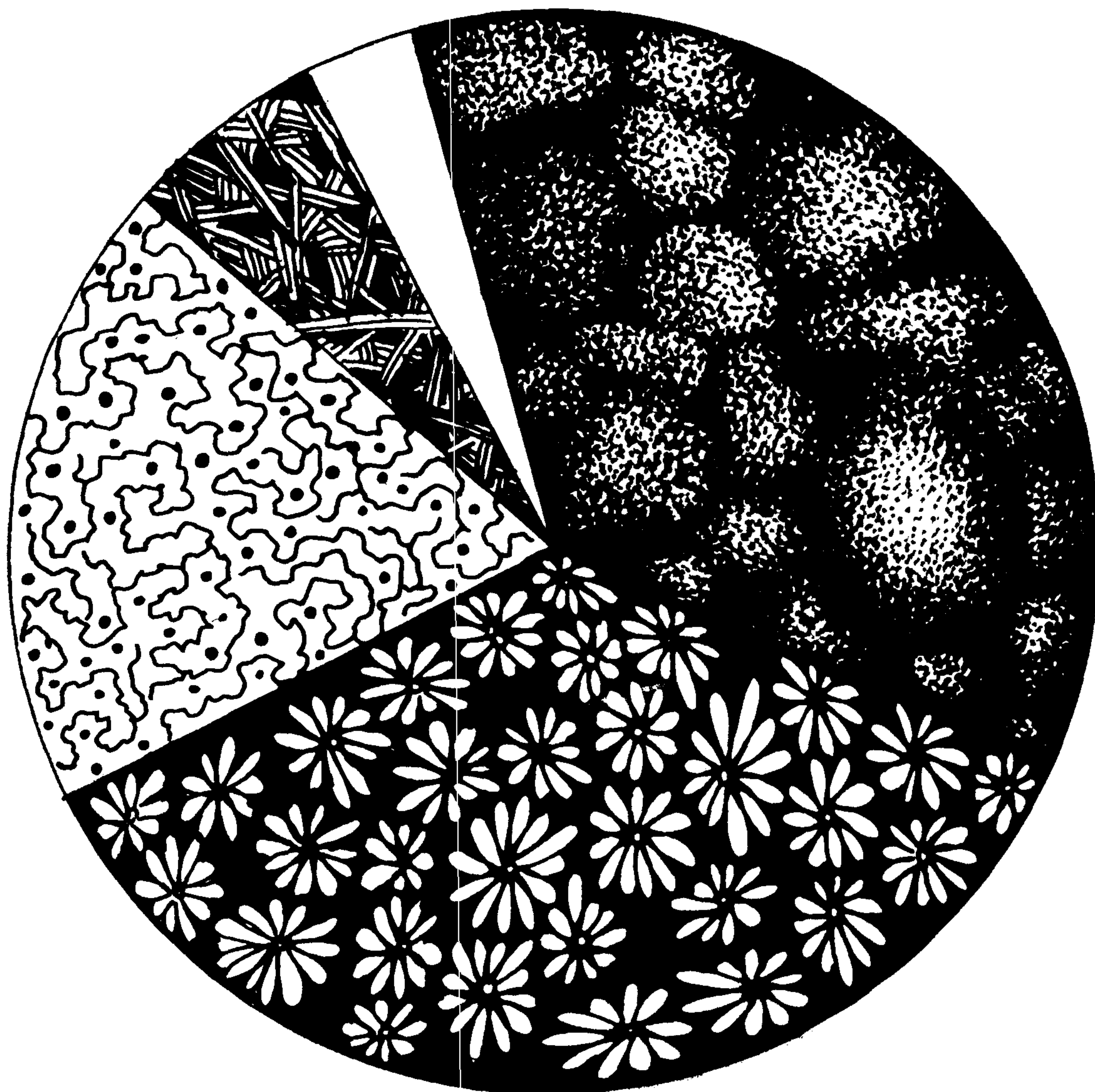
نام شهرک	نوع مشکل	محدود بودن	مجهز نبودن واحد	عدم مرمت	توام بودن حمام و توالت	متناسب نبودن مصالح ساختمانی بکار رفته در واحد مسکونی با شرایط اقلیمی	برخوردار نبودن واحد مسکونی از نور و روشنایی کافی	نارسائی در سیستم لوله کشی و برق کشی ساختمان	فقدان یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط) خانه‌ها	کامل نبودن واحد مسکونی	جمع
محوطه صنعتی	۳۰/۵	۲۱/۸	۱۷/۳	-	۸/۶	۶/۲	۸/۶	۲/۲	۲/۶	-	۱۰۰
ایلام	۲۰	۵۰	-	-	۲۰	-	-	-	-	-	۱۰۰
پمپ استیشن	-	-	۲۰	-	-	-	-	۲۰	۲۰	-	۱۰۰
سلمان فارسی	۲۳/۸	۱۹	۱۲	۱۳/۸	۶/۸	۷	-	۶/۲	۲/۸	۲/۲	۱۰۰
جمع	۲۵	۲۱/۵	۱۳/۷	۱۲/۵	۸/۷	۵	۳/۸	۳/۸	۲/۸	۱/۲	۱۰۰

مشکلات شهرکها

استفاده از الگوی پراکندگی شهرکها در واحدهای کشت و صنعت کارون و هفت تپه به پراکندگی جمعیت و امکانات منجر شده و بهمین سبب شهرکهای مسکونی مورد بررسی با تنگناها، نارسائی‌ها و دشواری‌های گوناگونی مواجه بوده و در تمامی زمینه‌ها به شهرها وابسته میباشند.

در شهرکهای مورد بررسی مشکلات رفاهی در رأس مشکلات قرار داشته و ۴۲/۳ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره کرده‌اند. سپس به ترتیب مشکلات بهداشتی و درمانی به ۳۱ درصد، مشکلات سکونتی با ۱۶ درصد، مشکلات آموزشی با ۶ درصد و بالاخره مشکلات اجتماعی با ۴/۷ درصد قرار دارد.

نمودار مشکلات شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون



بهداشتی و درمانی



رفاهی



سکونتی



آموزشی



اجتماعی



مشکلات شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

نام شهرک	نوع مشکل		رفاهی		بهداشتی و درمانی		سکونت		آموزشی		اجتماعی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بوستان	۱۷	۱۲	۵۰	۳۵/۲	۵۲	۲۸/۶	۱۳	۹	۷	۵	۱۲۱	۱۰۰		
نی‌آباد	۹۷	۶۳	۶۶	۳۰	-	-	۵	۳	۶	۲	۱۵۲	۱۰۰		
شوشترنو	۸۲	۲۹	۲۵	۲۶/۸	۲۳	۱۳/۶	۹	۵/۳	۹	۵/۳	۱۶۸	۱۰۰		
جمع	۱۹۶	۲۲/۳	۱۲۱	۳۱	۷۷	۱۶	۲۷	۶	۲۲	۲/۷	۲۶۲	۱۰۰		

مهمترین مشکل رفاهی در شهرکهای سه‌گانه «فقدان پارک و فضای سبز» است که ۱۹/۴ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره کرده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت بوده و نسبت آن از ۱۷/۷ درصد (بوستان) تا ۲۰/۷ درصد (شوشترنو) نوسان دارد. دومین مشکل رفاهی شهرکهای مورد مطالعه «فقدان آب لوله‌کشی» است که ۱۷ درصد خانوارهای مورد بررسی از آن نام برده‌اند. اهمیت این مشکل در شهرکهای سه‌گانه متفاوت بوده و نسبت آن از ۵/۹ درصد (بوستان) تا ۳۰/۵ درصد (شوشترنو) نوسان دارد. سومین مشکل رفاهی در شهرکهای مورد بررسی «فقدان تسهیلات مربوط به اوقات فراغت» است که ۱۴/۸ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت و نسبت آن از ۱۱/۸ درصد (بوستان) تا ۱۷/۵ درصد (نی‌آباد) نوسان دارد. سپس به ترتیب «کمبود مرکز خرید» و «کمبود وسیله نقلیه همگانی» هریک با ۱۰/۸ درصد، «فقدان سینما» و «فقدان ورزشگاه» هریک با ۷/۶ درصد، «اسفالت نبودن خیابانها»، «کمبود حمام و توالت عمومی»، «گرانی قیمت کالاها» و «فقدان کتابخانه» هریک با ۲/۵ درصد، «فقدان تلفن» با ۱/۵ درصد و بالاخره «کمبود ایستگاه اتوبوس» با ۰/۵ درصد قرار دارد.

مشکلات رفاهی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

جمع	کمبود	فقدان	اسفالت	کمبود	فقدان	گرانی	فقدان	فقدان	کمبود	کمبود	فقدان تسهیلات	فقدان آب	فقدان پارک	نوع مشکل
	کمبود	فقدان	اسفالت	کمبود	فقدان	گرانی	فقدان	فقدان	کمبود	کمبود	فقدان تسهیلات	فقدان آب	فقدان پارک	نام شهرک
	استگاه	تلفن	نوردهن	حمام	کتابخانه	تیب	دانشگاه	سینما	وسله	مرکز	مربوط به لوژت	لودکشی	رفشای	
	اتوبوس		خیابانها	نوال		کالاها			قلبه	خرید	لرافت	سز		
						عموم			مکنی					
۱۰۰	-	-	۵/۹	-	-	۱۷/۷	-	۵/۹	۲۲/۲	۱۱/۸	۱۱/۸	۵/۹	۱۷/۷	بوستان
۱۰۰	۱	۲	۳	۱	۲	۲	۷/۵	۹/۲	۱۱/۳	۱۵/۵	۱۷/۵	۷/۵	۱۸/۵	نی آباد
۱۰۰	-	۱/۳	۱/۳	۲/۹	۱/۳	-	۹/۷	۶	۷/۴	۲/۹	۱۲	۲۰/۵	۲۰/۷	شوشترنو
۱۰۰	۰/۵	۱/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۷/۶	۷/۶	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۲/۸	۱۷	۱۹/۴	جمع

مهمترین مشکل بهداشتی و درمانی شهرکهای سه گانه «فقدان درمانگاه» است که ۴۲ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۲۴ درصد (بوستان) تا ۵۳/۳ درصد (شوشترنو) نوسان دارد. دومین مشکل بهداشتی و درمانی در شهرکهای مورد مطالعه «بهداشتی نبودن محیط شهرک» است که ۳۱/۲ درصد خانوارهای نمونه از آن نام برده و اهمیت آن در شهرکهای سه گانه متفاوت و نسبت آن از ۱۳ درصد (نی آباد) تا ۴۸ درصد (بوستان) متغیر است. سومین مشکل بهداشتی و درمانی «فقدان پزشک متخصص» است که ۱۷ درصد خانوارها به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۴ درصد (بوستان) تا ۲۶ درصد (نی آباد) نوسان دارد. سپس به ترتیب «فقدان داروخانه» با ۶/۳ درصد، «نارسائی در فاضلاب شهرک» با ۲/۲ درصد و بالاخره «فقدان آمبولانس» با ۱/۳ درصد قرار دارد.

مشکلات بهداشتی و درمانی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

نام شهرک	نوع مشکل	فقدان درمانگاه	بهداشتی نبودن محیط زیست	فقدان پزشک متخصص	فقدان داروخانه	نارسائی در فاضلاب شهرک	فقدان آبولانس	جمع
بوستان	۲۴	۲۸	۲	۸	۲	۲	۱۰۰	
نی‌آباد	۲۶	۱۳	۲۶	۱۱	۲	۲	۱۰۰	
شوشترنو	۵۲/۳	۳۳/۴	۱۳/۳	۰	۰	۰	۱۰۰	
جمع	۲۲	۲۱/۲	۱۷	۶/۳	۲/۲	۱/۳	۱۰۰	

مهمترین مشکل سکونتی شهرکهای سه‌گانه «عدم تعمیر و مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن» است که ۳۳/۷ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۸/۶ درصد (شوشترنو) تا ۴۶/۵ درصد (بوستان) نوسان دارد. دومین مشکل سکونتی شهرکهای مورد بررسی «محدود بودن فضای سکونتی» است که ۲۴/۶ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند و اهمیت آن در شهرکهای سه‌گانه متفاوت بوده و نسبت آن از ۱۳ درصد (بوستان) تا ۴۸ درصد (شوشترنو) متغیر است. سومین مشکل سکونتی شهرکهای مورد بررسی «نارسائی در سیستم برقرسانی» است که ۱۶/۸ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل نیز در شهرکهای سه‌گانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۱۳ درصد (شوشترنو) تا ۱۸/۵ درصد (بوستان) نوسان دارد. سپس به ترتیب «مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع» با ۱۰/۵ درصد، «فقدان حصار پیرامون خانه‌ها» با ۵/۲ درصد، «فقدان و یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط) با ۴ درصد، «نارسائی در سیستم لوله‌کشی» با ۲/۶ درصد و بالاخره توأم بودن حمام و توالت در واحد مسکونی» و «عدم رنگ آمیزی ساختمان» «هریک با ۱/۳ درصد قرار دارد.

مشکلات سکونتی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون

نام شهرک	نوع مشکل	عدم تعمیر و مرمت واحد سکونی و متعلقات آن	محدوده بودن فضای سکونتی	نارسائی در سیستم برق رسانی	سکونی به سیستم بهره مطبوع	فقدان حمام، پیرامون، فضای آزاد، خانه‌ها (حیاط)	نارسائی در سیستم لوله کشی	تراکم بودن حمام و توالت در واحد سکونی	عدم رنگ آمیزی ساختمان	جمع
بوستان		۲۶/۵	۱۳	۱۸/۵	۵/۵	۷/۲	۵/۵	۱/۸	۱/۸	۱۰۰
نی‌آباد		-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰
شوشترنو		۸/۶	۲۸	۱۳	۲۱/۸	-	-	۲/۳	۲/۳	۱۰۰
جمع		۳۲/۷	۲۴/۶	۱۶/۸	۱۰/۵	۵/۲	۲	۲/۶	۱/۳	۱۰۰

مهمترین مشکل آموزشی شهرکهای سه‌گانه «فقدان دبیرستان» است که ۵۹/۳ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت و نسبت آن از ۴۶ درصد (بوستان) تا ۸۰ درصد (نی‌آباد) نوسان دارد. دومین مشکل آموزشی در شهرکهای مورد بررسی «کمبود فضای آموزشی» است که ۴۰/۷ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند. این مشکل در شهرکهای سه‌گانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۲۰ درصد (نی‌آباد) تا ۵۴ درصد (بوستان) متغیر است.

مهمترین مشکل اجتماعی در شهرکهای مورد بررسی «تامین نبودن امنیت عمومی در شهرک» است که ۴۵/۵ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده و اهمیت آن در شهرکهای سه‌گانه متفاوت و نسبت آن از ۱۶/۶ درصد (نی‌آباد) تا ۸۵/۷ درصد (بوستان) نوسان دارد. دومین مشکل اجتماعی در شهرکهای سه‌گانه «تراکم جمعیت» است که ۲۲/۸ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند. سپس به ترتیب «دوری از شهر» و «اسکان جنگزدگان در شهرک» هر یک با ۱۳/۶ درصد و بالاخره «نگهداری دام در شهرک» با ۴/۵ درصد قرار دارد.

در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت‌تپه نارسائی‌های بهداشتی و درمانی در رأس مشکلات شهرکها قرار داشته و ۴۲ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. سپس به ترتیب مشکلات رفاهی با ۳۸ درصد، مشکلات سکونتی با ۱۲/۵ درصد، مشکلات آموزشی با ۵ درصد و بالاخره مشکلات اجتماعی با ۲/۵ درصد قرار دارد.

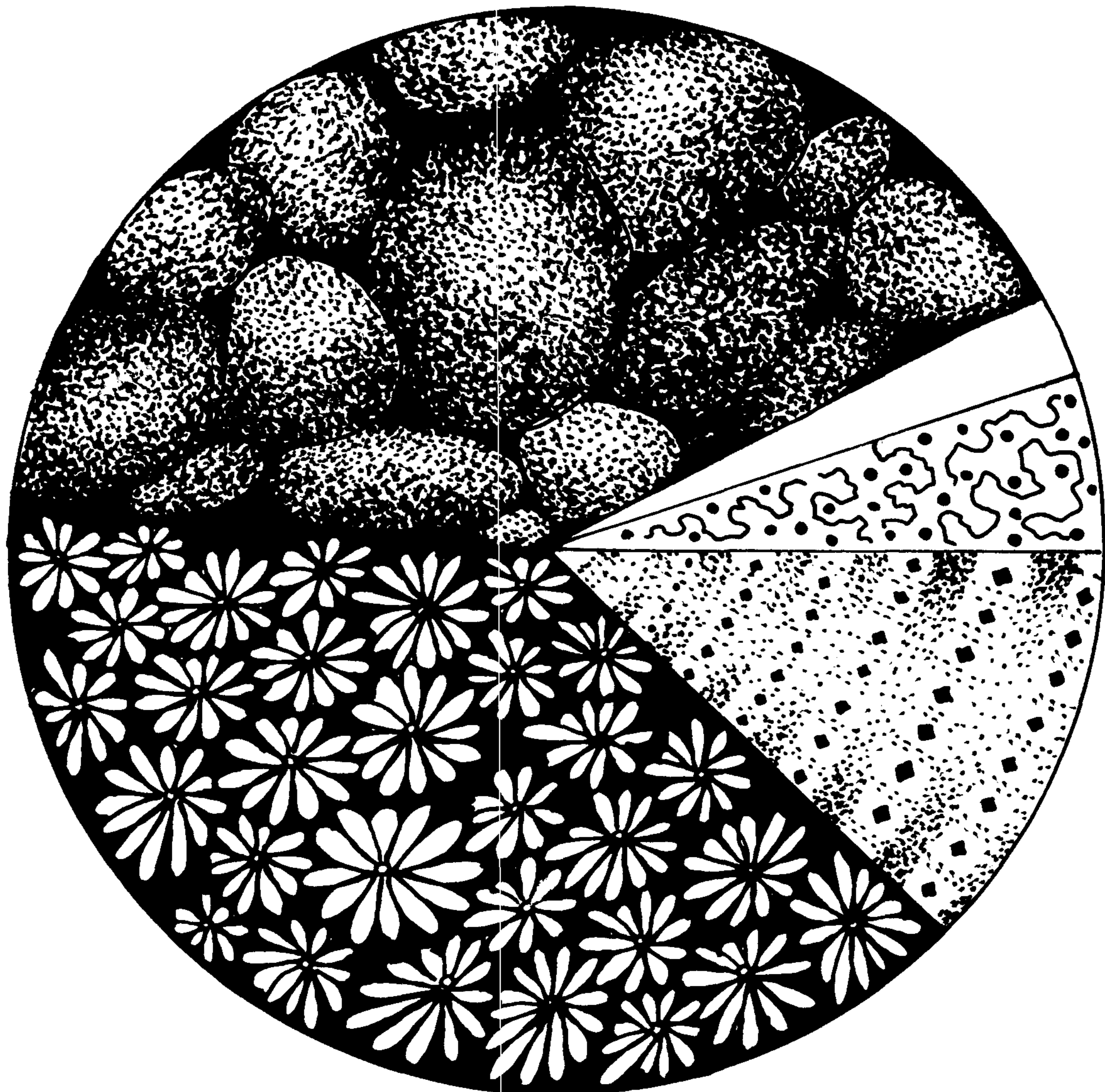
مشکلات شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

جمع		اجتماعی		آموزشی		سکونی		رهای		بهداشتی و درمانی		نوع مشکل	نام شهرک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۰۰	۱۲۱	۲/۵	۳	۵/۸	۷	۸/۳	۱۰	۲۶/۲	۲۴	۲۷	۵۷	محوطه صنعتی	
۱۰۰	۳۹	۲/۵	۱	۵	۲	۲/۵	۱	۳۳/۵	۱۳	۵۶/۵	۲۲	ایلام	
۱۰۰	۳۵	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۲۸	۱۷	۲۳	۱۵	پمپ استیشن	
۱۰۰	۱۲۲	۲/۳	۳	۵/۲	۷	۲۱/۳	۲۸	۲۸/۵	۵۱	۳۲/۵	۴۳	سلمان فارسی	
۱۰۰	۳۲۷	۲/۵	۸	۵	۱۷	۱۲/۵	۲۰	۳۸	۱۲۵	۲۲	۱۳۷	جمع	

مهمترین مشکل بهداشتی و درمانی در شهرکهای چهارگانه «فقدان درمانگاه» است که ۴۳/۷ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۳۹/۵ درصد (سلمان فارسی) تا ۵۴/۵ درصد (ایلام) نوسان دارد.

دومین مشکل بهداشتی و درمانی در شهرکهای مورد بررسی «فقدان پزشک متخصص» است که ۲۱/۸ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند و اهمیت آن در شهرکهای چهارگانه متفاوت و نسبت آن از ۶/۶ درصد (پمپ استیشن) تا ۲۵/۸ درصد (سلمان فارسی) متغیر است. سومین مشکل بهداشتی و درمانی در شهرکهای مورد مطالعه «بهداشتی نبودن محیط شهرک» است که ۱۶ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده و در شهرکهای چهارگانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن از ۹ درصد (ایلام) تا ۲۱ درصد (سلمان فارسی) نوسان دارد. سپس به ترتیب «فقدان داروخانه» با ۱۲/۵ درصد و «فقدان آمبولانس» و «نارسائی در فاضلاب شهرک» هریک به ۳ درصد قرار دارد.

نمودار مشکلات شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه



بهداشتی و درمانی



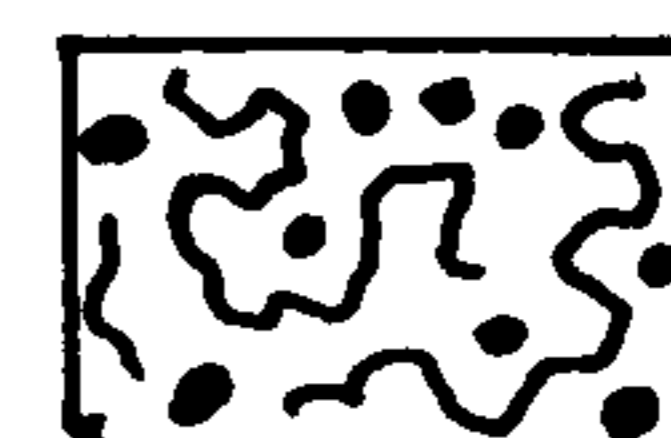
رفاهی



سکونتی



آموزشی



اجتماعی



مشکلات بهداشتی و درمانی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

نام شهرک	نوع مشکل	فقدان درمانگاه	فقدان پزشک متخصص	بهداشتی نبودن محیط شهرک	فقدان داروخانه	فقدان آمبولانس	نارسائی درفاضلاب شهرک	جمع
محوطه صنعتی		۴۲	۲۳	۱۵/۸	۱۴	-	۵/۲	۱۰۰
ایلام		۵۴/۵	۲۲/۸	۹	۱۳/۷	-	-	۱۰۰
پمپ استیشن		۴۶/۶	۶/۶	۱۳/۴	۲۰	۱۳/۴	-	۱۰۰
سلمان فارسی		۳۹/۵	۲۵/۸	۲۱	۷	۴/۶	۲/۴	۱۰۰
جمع		۲۳/۷	۲۱/۸	۱۶	۱۲/۵	۳	۳	۱۰۰

مهمترین مشکل رفاهی شهرکهای چهارگانه «کمبود مرکز خرید» است که ۲۸/۷ درصد خانوارهای نمونه از آن نام برده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت و نسبت آن از ۱۱/۷ درصد (پمپ استیشن) تا ۳۵/۲ درصد (سلمان فارسی) نوسان دارد. دومین مشکل رفاهی شهرکهای مورد بررسی فقدان پارک و فضای سبز است که ۱۴/۵ درصد خانوارها به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای چهارگانه از اهمیت متفاوت برخوردار بوده و نسبت آن از ۹/۸ درصد (سلمان فارسی) تا ۳۰/۸ درصد (ایلام) متغیر است. سومین مشکل رفاهی شهرکهای مورد مطالعه «کمبود وسیله نقلیه همگانی» است که ۱۴ درصد خانوارها از آن نام برده و اهمیت آن در شهرکهای مورد بررسی متفاوت و نسبت آن از ۹ درصد (محوطه صنعتی) تا ۲۳/۸ درصد (پمپ استیشن) نوسان دارد. سپس به ترتیب گرانی قیمت کالاها با ۱۱/۲ درصد، فقدان تسهیلات مربوط به اوقات فراغت و اسفالت نبودن خیابانها هریک با ۷/۲ درصد، فقدان سینما با ۶/۵ درصد، فقدان ورزشگاه، کمبود حمام و توالت عمومی هریک با ۳/۲ درصد و بالاخره کمبود ایستگاه اتوبوس با ۱/۱ درصد و فقدان تلفن با ۰/۷ درصد قرار دارد.

مشکلات رفاهی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

نام شهرک	نوع مشکل	کمبود مرکز خرید	فقدان پارک و فضای سبز	کمبود وسیله نقلیه همگانی	گران قیمت کالاها	اسفالت نبودن خیابانها	فقدان تهیلات مربوط به اوقات فراغت	فقدان سینما	کمبود حمام و توالت عمومی	فقدان ورزشگاه	فقدان آب لوله کشی	کمبود ایستگاه نظفنی اتوبوس	فقدان نظفنی	جمع
محوطه صنعتی	۲۲	۱۳/۷	۹	۲۰/۵	۲/۵	۶/۹	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۲	۲/۲	-	-	۱۰۰
ایلام	۱۵/۲	۳۰/۸	۲۳	-	-	۷/۷	۱۵/۲	-	-	۷/۷	-	-	-	۱۰۰
همپ استیشن	۱۱/۷	۱۷/۷	۲۳/۸	۱۷/۷	۱۱/۷	۵/۸	۵/۸	۱۱/۷	-	-	۵/۸	-	-	۱۰۰
سلمان فارسی	۳۵/۲	۹/۸	۲۳/۷	۳	۱۱/۷	۵/۸	۵/۸	۵/۸	۴	۴	۲	۲	۲	۱۰۰
جمع	۲۸/۷	۱۴/۵	۱۴	۱۱/۲	۷/۲	۷/۲	۶/۵	۲/۲	۲/۲	۳/۲	۲/۵	۱/۱	۰/۷	۱۰۰

مهمترین مشکل سکونتی در شهرکهای مورد بررسی «عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن» است که ۲۵ درصد خانوارهای نمونه به آن اشاره نموده‌اند. این مشکل در شهرکهای مسکونی چهارگانه از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت آن در شهرکهای مورد مطالعه از ۲۱/۴ درصد (سلمان فارسی) تا ۴۰ درصد (محوطه صنعتی) نوسان دارد. دومین مشکل سکونتی در شهرکهای چهارگانه «محدود بودن فضای سکونتی» است که ۲۲/۵ درصد خانوارها از آن نام برده‌اند. این مشکل منحصر به شهرک سلمان فارسی است. سومین مشکل سکونتی در شهرکهای مورد بررسی «توأم بودن حمام و توالت در واحد مسکونی» است که ۱۲/۵ درصد خانوارها به آن اشاره نموده‌اند و منحصر به شهرک سلمان فارسی میباشد. سپس به ترتیب «عدم رنگ آمیزی ساختمان» با ۱۰ درصد، «فقدان حصار پیرامون خانه‌ها» و «نارسائی در سیستم لوله کشی» هر یک با ۷/۵ درصد «فقدان یا محدود بودن فضای آزاد (حیاط) و مجهز نبودن واحد مسکونی به آشپزخانه با ۵ درصد «مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع» و «نارسائی در سیستم برق رسانی» هر یک با ۲/۵ درصد قرار دارد.

مشکلات سکونتی شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه

نام شهرک	نوع مشکل	عدم مرمت واحد مسکونی و متعلقات آن	محدوده بودن فضای سکونتی	توام بودن حمام و توالت در واحد مسکونی	عدم رنگ رنگ آمیزی ساختمان	فقدان حصار پیرامون خانه ها	نارسائی در سیستم لوله کشی	مجهز نبودن واحد مسکونی به آشپزخانه	فقدان یا محدوده بودن فضای آزاد (حیات)	مجهز نبودن واحد مسکونی به سیستم تهویه مطبوع	نارسائی در سیستم برق رسانی	جمع
محوطه صنعتی	۴۰	-	-	-	۳۰	۱۰	-	-	۱۰	-	-	۱۰۰
ایلام	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	-	-	-	۱۰۰
پمپ استیشن	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	-	-	-	-	۱۰۰
سلمان فارسی	۲۱/۴	۳۲	۱۸	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۷	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۱۰۰
جمع	۲۵	۲۲/۵	۱۲/۵	۱۰	۷/۵	۷/۵	۷/۵	۵	۵	۲/۵	۲/۵	۱۰۰

مهمترین مشکل آموزشی در شهرکهای چهارگانه «کمبود فضای آموزشی» و «فقدان دبیرستان» است که به هریک ۴۱/۲ درصد خانوارهای نمونه اشاره نموده اند. این مشکلات در شهرکهای مورد بررسی از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و نسبت «کمبود فضای آموزشی» از ۵۰ درصد (ایلام) تا ۱۰۰ درصد (پمپ استیشن) و نسبت «فقدان دبیرستان» نیز از ۱۴/۵ درصد (محوطه صنعتی) تا ۸۵/۸ درصد (سلمان فارسی) متغیر است. دومین مشکل آموزشی در شهرکهای مورد بررسی «کمبود کادر آموزشی» است که ۱۷/۶ درصد خانوارهای نمونه از آن نام برده اند.

مهمترین مشکل اجتماعی شهرکهای مورد مطالعه «دوری از شهر» است که ۵۰ درصد خانوارهای نمونه از آن نام برده و منحصر به شهرکهای ایلام و محوطه صنعتی است. دومین مشکل اجتماعی در شهرکهای چهارگانه «تامین نبودن امنیت عمومی در شهرک» و «نگهداری دام در شهرک» است که به هریک ۲۵ درصد خانوارهای مورد بررسی اشاره نموده اند.

نحوه گذاران اوقات فراغت

از جمله عواملی که شهرکهای سازمانی را به محیطی یکنواخت و خسته کننده مبدل میسازد کمبود امکانات و تسهیلات مربوط به گذران اوقات فراغت است. این امر خانوارهای کارگر را که معمولاً دارای منشأ روستائی بوده و با واگذاری نسق زراعی از بخش کشاورزی به صنعت انتقال یافته اند را با دشواری هائی مواجه ساخته و میزان رضامندی خانوارهای کارمند را از شهرک نشینی بنحو چشمگیری کاهش داده است.

در جوامع روستائی که بعلت آمیختگی کار و استراحت فراغت مفهومی ندارد و خانوار

در جوامع روستائی که بعلت آمیختگی کار و استراحت فراغت مفهومی ندارد و خانوار بمنظور تأمین نیازهای معیشتی خود ناگزیر است زراعت را با باغداری، دامداری و صنایع دستی درهم آمیخته و از نیروی کار خانگی به نحو مطلوب استفاده نماید اوقات فراغت و نحوه گذرانیدن آن اهمیت چندانی ندارد. لیکن با انتقال خانوار روستائی از بخش کشاورزی به صنعت و از جامعه معیشتی روستائی به شهرکهای سازمانی و ثرار گرفتن در وضعیت و مناسبات جدید شغلی، تبعیت از ساعات اداری و جدائی اعضای خانوار از جریان تولید، اوقات فراغت خانوارهای کارگر به نحو غیرقابل تصویری افزایش یافته و از آنجا که در شهرکهای سازمانی امکانات لازم بمنظور استفاده از نیروی کارخانگی خانوارهای کارگر پیش بینی نشده است شهرک به محیطی خسته کننده و ملال آور مبدل شده است.

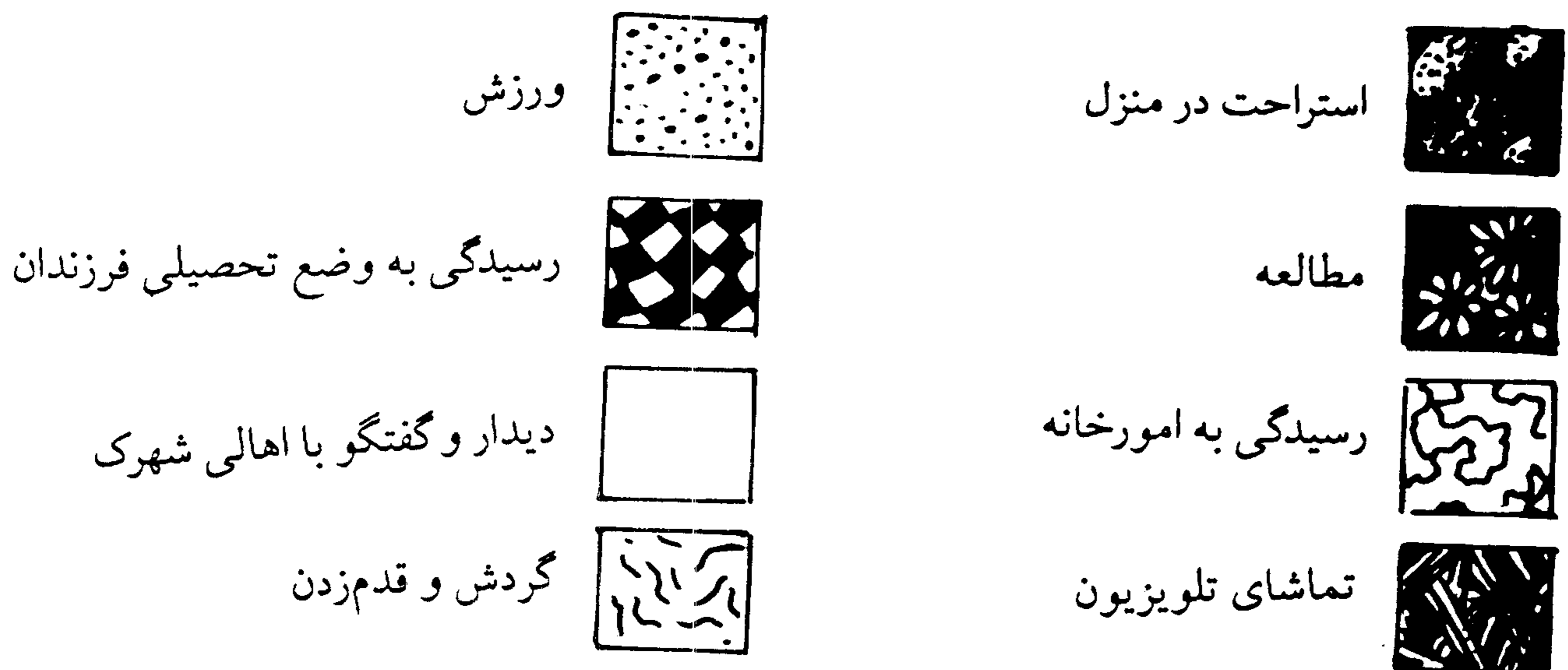
نگاهی گذرا به نحوه گذران اوقات فراغت خانوارهای ساکن در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه حاکی از آنست که بر اثر فقدان و یا کمبود امکانات و تسهیلات مربوط به گذران اوقات فراغت در شهرکهای مسکونی بخش عمده ای از اوقات فراغت خانوارها به استراحت در واحد مسکونی و یا نشستن در کوچه میگذرد. مطالعات ما در شهرکهای مسکونی حاکی از آنست که فقط ۵ درصد رؤسای خانوارهای مورد بررسی از تسهیلات فراغتی شهرک که عمدتاً به زمین ورزش منحصر است استفاده کرده و ۹۵ درصد بقیه اوقات فراغت خود را معمولاً در خانه میگذرانند. معمولترین نوع وقت گذرانی در میان خانوارهای مورد مطالعه استراحت در خانه و یا نشستن در کوچه است و ۴۶ درصد رؤسای خانوارهای نمونه در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه اوقات فراغت خود را با استراحت در خانه و یا نشستن در کوچه میگذرانند. دومین فعالیت مربوط به اوقات فراغت شهرک نشینان مطالعه است و ۱۶/۸ درصد رؤسای خانوارهای مورد بررسی اوقات فراغت خود را با مطالعه میگذرانند. رسیدگی به امور خانه، سومین نوع وقت گذرانی در شهرکهای مسکونی بشمار رفته و ۱۴/۸ درصد رؤسای خانوارهای نمونه بمنظور گذران اوقات فراغت به امور خانه رسیدگی میکنند. سپس به ترتیب ۹/۷ درصد رؤسای خانوارها با تماشای تلویزیون، ۵ درصد با ورزش، ۳ درصد با رسیدگی به وضع تحصیلی فرزندان، ۲/۷ درصد با دیدار و گفتگو با اهالی شهرک و ۲ درصد بقیه با گردش و قدم زدن اوقات فراغت خود را میگذرانند.

نحوه گذران اوقات فراغت روسای خانوارهای نمونه ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه

نوع فعالیت گروه‌های شغلی	استراحت در منزل		مطالعه		رسیدن به وضع اسبابخانه		تماشای تلویزیون		دندش		رسیدن به تحصیل فرزندان		دیدار و گفتگو با اهالی شهرک		گردش و قدم زدن		جمع	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
کارگر	۶۴/۵	۷۶	۹	۷/۷	۱۸	۱۵/۶	۲	۱/۷	۳	۲/۵	۲	۲/۲	۲	۲/۲	۲	۱/۷	۱۱۸	۱۰۰
کارمند	۳۰/۲	۲۲	۲۴	۲۲/۵	۲۰	۱۴/۲	۲۳	۱۶/۵	۱۰	۷/۲	۲	۱/۸	۳	۲/۲	۲	۱/۲	۱۳۹	۱۰۰
جمع	۲۶	۱۱۸	۲۳	۱۶/۸	۳۸	۱۴/۸	۲۵	۹/۷	۱۳	۵	۸	۲	۷	۲/۷	۵	۲	۲۵۷	۱۰۰

مقایسه الگوی وقت گذرانی و ترکیب فعالیت‌های اوقات فراغت کارگران و کارمندان حاکی از آنست که استراحت در منزل و یا کوچه نشینی در میان کارگران معمولتر از کارمندان بوده و ۶۴/۵ درصد کارگران در اوقات فراغت در خانه استراحت کرده و یا در کوچه می‌نشینند که این نسبت بین کارمندان ۳۰/۲ درصد است. در مقابل کارمندان به «تماشای تلویزیون» و «مطالعه» گرایش بیشتری داشته و ۱۶/۵ درصد آنان اوقات فراغت خود را با تماشای تلویزیون و ۲۴/۵ درصد با مطالعه کتاب سپری می‌نمایند که ارقام مشابه در میان کارگران به ترتیب ۱/۷ و ۷/۷ درصد میباشد.

نمودار نحوه گذران اوقات فراغت رؤسای خانوارهای مورد بررسی
ساکن شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون. و هفت تپه



الگوی محله بندی

الگوی طبقه بندی و اسکان جمعیت بستر مناسبی در جهت نزدیکی و یا افتراق گروه ها و قشرهای مختلف متقاضی سکونت در شهرکهای سازمانی بشمار میرود. استفاده از الگوی طبقه بندی جمعیت براساس تفکیک گروه های شغلی به دوگانگی چهره و طبقاتی شدن سیمای شهرکها و بهره گیری از الگوی طبقه بندی جمعیت براساس ترکیب گروه های شغلی به نزدیکی گروه ها و قشرهای مختلف اجتماعی متقاضی سکونت در شهرکها منجر میگردد.

الگوی طبقه بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب گروه های شغلی

در بعضی از شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون الگوی اسکان و طبقه بندی جمعیت براساس ترکیب گروه های شغلی متقاضی سکونت در شهرک طراحی شده و به پیدائی شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی منجر شده است. این نوع شهرکها معمولاً چهره ای دوگانه داشته و شاخص اساسی آن در هم آمیختن الگوی معیشت شهری و روستائی است.

در محله های کارگرنشین که ساکنین آن را خانوارهای صاحب نسق واقع در روستاهای محدوده عملیاتی کشت و صنعتها تشکیل داده که با واگذاری نسق زراعی به کشت و صنعت انتقال یافته و در شهرکهای مسکونی اسکان یافته اند الگوی معماری سرهم بندی شده، فضای سکونتی محدود و واحدهای مسکونی بصورت خطی و افقی و بهم چسبیده استقرار یافته و به تراکم واحد مسکونی و به تبع آن تراکم جمعیت در سطح محله منجر شده است. در این محله ها خانوارهای ساکن کارگری را با دامداری در هم آمیخته و بخشی از فضای سکونتی را به نگهداری و پرورش دام اختصاص داده اند.

در باب عوارض و پی آمدهای حاصله از ترکیب گروه های مختلف شغلی در الگوی طبقه بندی و اسکان جمعیت در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت باید گفت که انتقال از روستائینی به شهرنشینی بقول دورکیم فرد را در حالت و وضعیت آنومی Anomie یا بی هنجاری Normlessness بعنوان یکی از شاخص های مهم از خود بیگانگی اجتماعی قرار داده و چنین موجودی که به اعتقاد جرج زیمل جامعه شناس معروف آلمانی زائیده تعارض و تقابل دو نظام فرهنگی متفاوت و متخاصم است در عمل خود را به هیچیک از نظامهای دوگانه فرهنگی وابسته ندانسته و موجودی از اینجا مانده و از آنجا رانده بشمار میرود. این گروه با از دست دادن

نسق زراعی و انتقال از بخش کشاورزی به صنعت و اسکان در شهرکهای مسکونی هنجارهای حاکم بر مبدأ مهاجرت خود را با هنجارهای معمول در مقصد مهاجرت در تعارض دیده و با انفصال از نظم جمعی و سیستم هنجاری موجود در وضعیت آنومی و نابسامی قرار گرفته و زمینه هنجار ستیزی و گرایش به انحراف Deviance در آنان تقویت می‌گردد.

ویژگی‌های مناطق کارگرنشین در اغلب شهرکهای سازمانی مورد بررسی بقرار زیر میباشند:

- ۱- مسکن ناهنجار و سرهم بندی شده
 - ۲- تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتار اجتماعی مردم
 - ۳- قرار داشتن اغلب ساکنین در زیر خط فقر
 - ۴- گوشه‌گیری مردم از جریانات عمومی شهرک
 - ۵- ایجاد مرزهای پردوام در اطراف محله و جدائی‌گزینی مردم از سایر گروه‌ها و قشرهای ساکن در شهرک
- از سوی دیگر اسکان گروه‌های مختلف اجتماعی در یک شهرک گروه‌های دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی بالاتر بویژه قشر تحصیلکرده و روشنفکر را به جدافتادگی ارزشی Isolation و یا بیزاری فرهنگی سوق داده است.
- بدین ترتیب الگوی اسکان جمعیت براساس ترکیب گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی متفاوت چهره و سیمای شهرکها را طبقاتی نموده و گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی پائین یعنی کارگران را به بی‌هنجاری Normlessness و جدائی‌گزینی اکولوژیکی و گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی بالاتر بویژه قشر تحصیلکرده و روشنفکر را به جدا افتادگی ارزشی سوق داده است.
- اغلب شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه چهره‌ای دوگانه دارند. در بخشی از شهرک که کارگران اسکان یافته‌اند خیابان‌ها و کوچه‌ها تنگ و بدون نقشه و خانه‌های کوچک و پر جمعیت و بدون حصار و در قسمت دیگری از شهرک که کارمندان اسکان یافته‌اند خیابان‌ها و کوچه‌های پهن و خانه‌های بزرگ با حصارهایی از فضای سبز مرزبندی‌های زیستی را بخوبی نشان میدهد.
- فضای تجاری و مراکز خرید در محله‌های کارگری و کارمندی نیز چهره‌ای دوگانه دارند. در محله‌های کارمندانشین فروشگاه‌ها منظم و محل استقرار آنها در برنامه پیش‌بینی شده و در محله‌های کارگرنشین دکه‌ها و فروشگاه‌های موقت که محل استقرار آنها نامنظم و تصادفی است بچشم می‌خورد.

کیفیت کالاها و مواد غذایی عرضه شده در این فروشگاه‌ها نیز متفاوت بوده و در محله‌های کارگرنشین که مراکز خرید و فروشگاه‌ها از ابتدائی‌ترین امکانات و تجهیزات لازم بمنظور نگهداری مواد غذایی فاسد شدنی محروم‌اند کیفیت مواد غذایی عرضه شده به حداقل می‌رسد. این دوگانگی عمیق زیستی چهره و سیمای شهرکها راطبقاتی نموده و موجبات تجزیه طبقاتی و تعمیق شکاف بین کارگران و کارمندان را فراهم ساخته است.

نگاهی گذرا به دستاوردهای حاصله از مطالعات ما در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه حاکی از گرایش مثبت کارگران نسبت به گروه مقابل یعنی کارمندان است. مطالعات ما در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه پیرامون گرایش کارگران و کارمندان نسبت بیکدیگر نشان می‌دهد که کارمندان گرایش کمتری به برقراری ارتباط با گروه مقابل دارند زیرا جمع نمرات گرایش پاسخگویان متعلق به پایگاه بالای اجتماعی یعنی کارمندان (۵۱۹/۵) و گروه متعلق به پایگاه اجتماعی پائین یعنی کارگران (۱۰۸۱/۳) میباشد.

براساس نتایج حاصله از مقیاس سنجش نگرش بوگاردوس ۷۰/۳ درصد افراد متعلق به پایگاه اجتماعی بالا یعنی کارمندان مایلند در حد سلام و علیک با گروه مقابل ارتباط برقرار نموده و ۵۹/۷ درصد مایل به ایجاد ارتباط با گروه مقابل از طریق رابطه کاری میباشند. در حالیکه در گروه متعلق به پایگاه اجتماعی پائین یعنی کارگران تمایل بیشتری به برقراری ارتباط با گروه مقابل بچشم میخورد و ۷۲/۴ درصد مایلند با گروه مقابل یعنی کارمندان در حد سلام و علیک ارتباط برقرار کنند، ۹۸ درصد تمایل دارند از طریق رابطه کاری با گروه مقابل ارتباط برقرار نموده، ۸۶/۳ درصد مایلند با گروه مقابل در یک شهرک زندگی کرده، ۵۷/۹ درصد مایل به همزیستی و برقراری رابطه همسایگی با گروه مقابل بوده، ۲۵/۳ درصد به رفت و آمد خانوادگی با گروه مقابل تمایل داشته و ۱۸/۸ درصد به برقراری ارتباط با گروه مقابل از طریق ازدواج اظهار تمایل نموده‌اند.

پاسخ افراد متعلق به پایگاه اجتماعی بالا (کارمندان) و پائین (کارگران) به گویه‌های فاصله اجتماعی

(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	گروه‌های فاصله اجتماعی
به برقراری ارتباط با او تمایلی ندارم	مایلم با او سلام و علیک داشته باشم	مایلم با او در یک اداره کار کنم	مایلم با او یک شهرک زندگی کنم	مایلم بعنوان همسایه با او در یک محل زندگی کنم	مایلم با او در رفت و آمد خانوادگی داشته باشم	مایلم از طریق ازدواج دخترم با او نسبت خویشاوندی داشته باشم	گروه‌های شغلی
۸/۶	۷۲/۴	۹۸	۸۶/۳	۵۷/۹	۲۵/۳	۱۸/۸	کارگر
۲۷/۵	۷۰/۳	۵۹/۷	۱۰/۱	۶/۷	۵/۴	۴/۷	کارمند

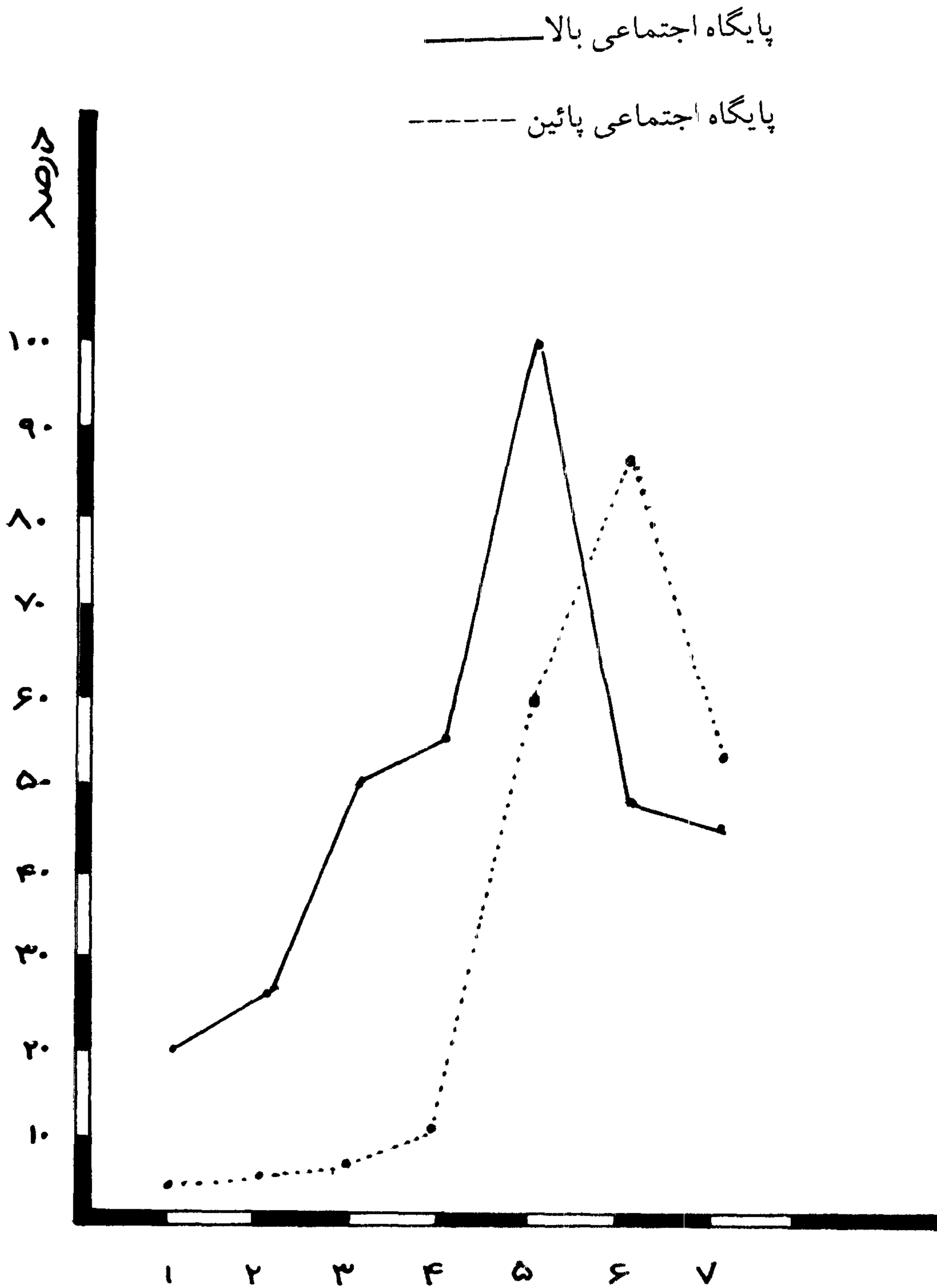
جمع نمرات گرایش افراد متعلق به پایگاه اجتماعی پائین (کارگران) نسبت به گروه دیگر

شماره گویه	۱	۲	۳	۴	۵	جمع نمرات گرایش
درصد	۱۸/۸	۲۶/۸	۵۷/۹	۸۶/۳	۹۸	-
حاصلضرب	۱۸/۸	۵۳/۶	۱۷۳/۷	۳۴۵/۲	۴۹۰	۱۰۸۱/۳

پاسخ افراد متعلق به پایگاه اجتماعی بالا (کارمندان) نسبت به گروه دیگر

شماره گویه	۱	۲	۳	۴	۵	جمع نمرات گرایش
درصد	۴/۷	۵/۴	۶/۷	۱۰/۱	۸۰/۷	-
حاصلضرب	۴/۷	۱۰/۸	۲۰/۱	۴۰/۴	۴۰۳/۵	۵۱۹/۵

نمودار گرایش افراد دارای پایگاه بالا (کارمندان)
و پایگاه پائین (کارگران) نسبت به یکدیگر



الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس تفکیک گروه‌های شغلی

الگوی غالب طبقه‌بندی و اسکان جمعیت در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت هفت تپه مبتنی بر تفکیک گروه‌های شغلی است.

این الگو در شهرکهای مسکونی پمپ استیشن و سلمان فارسی که دارای ساخت اجتماعی کارگری و شهرکهای ایلام و محوطه صنعتی که دارای ساخت اجتماعی کارمندی است مورد استفاده قرار گرفته است.

در این الگو پراکندگی شهرکها به پراکنده شدن جمعیت و افتراق اجتماعی بین کارگران و کارمندان منجر شده و احساس انزوای اجتماعی را بین ساکنین شهرکهای کارگری و کارمندی تقویت نموده است.

الگوی مطلوب اسکان جمعیت در شهرکهای سازمانی هنگامی تحقق می‌یابد که طبقه‌بندی جمعیت براساس ترکیب گروه‌های مختلف شغلی متقاضی سکونت در شهرک انجام گرفته و اسکان جمعیت بستر مناسبی بمنظور بالا بردن فرهنگ سکونتی کارگران و نزدیکی قشرهای اجتماعی ساکن در شهرک بشمار آید. برای این منظور اتخاذ الگوی مطلوب مسکن با توجه به نیازها، فرهنگ سکونتی و گرایشات مسکن‌گزینی گروه‌های مختلف اجتماعی، استفاده از الگوی مطلوب معماری به نحوی که در طراحی مسکن و محله در سکونتگاه‌های کارگری و کارمندی تفاوت به حداقل برسد، مکان‌یابی مناسب برای استقرار تأسیسات و فضاهای همگانی بگونه‌ای که فضاهای عمومی شهرک محل تلاقی و ارتباط بین گروه‌های مختلف اجتماعی بشمار رفته و معماری بتواند کارکرد آموزشی و ارتباطی خود را به نحو مطلوب ایفا نموده و کارگران در ارتباط با کارمندان راه و رسم شهرک‌نشینی را در عمل بیاموزند امری ضروری بنظر میرسد.

یکی از آثار و نتایج حاصله از اتخاذ این الگو در امر اسکان جمعیت برقراری روابط نخستین و چهره به چهره بین ساکنین میباشد. انسان‌های بدون عضویت در گروه‌های نخستین مانند شن‌های روان کویر آسیب‌پذیر و متغیراند. وزش هربادی اینها را به حرکت و تلاطم وامیدارد و یا حرکت آنها را در جهت مخالف سوق میدهد و بقول امیل دورکیم روابط نخستین مانند داشتن لنگر برای کشتی در دریای طوفانی و داشتن ریشه برای درخت است. همانطور که کشتی بی‌لنگر هر لحظه در معرض خطر واژگون شدن قرار دارد و درخت بی‌ریشه چند روزی پیش نمی‌پاید انسان بریده از گروه‌های نخستین و محروم از روابط چهره به چهره نیز چنین است و چنین است که الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت که در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت تپه میتوانست «کارگران نی بر فصلی» را در کنار «کارگران دائم» و کارگران دائم را در کنار «کارمندان» قرار

داده و فرهنگ شهرک نشینی را در عمل به گروه‌های مختلف اجتماعی پیام‌موزد و فاصله اجتماعی را در شهرک‌های مسکونی به حداقل کاهش دهد. به جدا افتادگی کارگران نی بر فصلی و افتراق بین کارگران و کارمندان منجر شده است.

در اردوگاه دروگران فصلی، نی‌برها که همه ساله در فصل برداشت نیشکر از روستاهای الیگودرز به منطقه می‌آیند و از فرهنگ سکونتی ابتدائی برخوردارند با کتدن درب حمام‌ها، تخریب دوش حمام‌ها و شیر دستشوئی‌ها ناسازگاری و عدم تطابق خود را با الگوی سکونت و فضاهای پیش‌بینی شده در اردوگاه محل اسکان نشان می‌دهند. گروه‌گان‌گیری کارمندان حسابداری اردوگاه فقط بخاطر دو سه روز تأخیر در پرداخت حق‌الزحمه ماهانه و رها کردن نیشکار در کنار جاده در آخرین روز کار در مزارع نیشکر ضرورت مبادله فرهنگی بین کارگران نی‌بر و سایر گروه‌های اجتماعی ساکن شهرک‌های مسکونی نشان می‌دهند.

در شهرک «بوستان» کشت و صنعت کارون که به «کپر قاسم» منطقه معروف است و هرچند وقت یکبار یکی از واحدهای مسکونی در محله‌های کارگرنشین بسطت سقف کاذب و عدم رعایت اصول ایمنی در آتش می‌سوزد و انسان بیگناهی را به کام مرگ میکشد. کارگران امروزی کشت و صنعت و صاحب نسقان دیروزی اراضی واقع در محدوده عملیاتی کشت و صنعت با نگهداری دام در گوشه و کنار شهرک و اختصاص بخشی از فضای واحد مسکونی به آغل و ایجاد تور در حیاط شهرک نشینی را در سطح آلونک نشینی و کپرنشینی تنزل داده و ترکیب نامتجانسی از دو الگوی معیشت شهری و روستائی را به نمایش گذاشته‌اند.

خلاصه

نظام استقرار و الگوی پراکندگی جمعیت در نقاط شهری و روستائی کشور و توزیع جمعیت در کانون‌های شهری حاکی از آنست که بین توزیع منابع و امکانات و جمعیت تناسبی وجود نداشته و نتیجه ناشی از آن بین رفتن تعادل منطقه‌ای و افزایش نابرابری‌های جغرافیائی کشور و در مراکز مهم شهری مانند تهران، اصفهان، مشهد و تبریز به مصرف بی‌رویه منابع و امکانات و در مناطق کم تراکم و کم جمعیت استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، یزد، کرمان و خراسان به راکد ماندن منابع طبیعی و از بین رفتن تعادل‌های زیست محیطی مانند پیشروی کویر منجر شده است.

سیاست‌هایی که در زمینه تأثیرگذاری بر الگوی توزیعی اتخاذ شده بطور عمده به اسکان بخشی از سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ منحصر شده است و نتیجه ناشی از آن ایجاد شهرک‌های خوابگاهی، اقماری، سازمانی و بالاخره شهرهای جدید در کنار شهرهای ما در بوده است.

نگاهی گذرا به جریان شهرک‌سازی و اسکان جمعیت در شهرکهای سازمانی حاکی از آنست که شهرک‌سازی و اسکان جمعیت در اغلب موارد با بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای حاصله از مطالعات اقتصادی - اجتماعی توأم نبوده است. بهمین سبب طراحی مسکن، محله و شهرک بدون توجه به وضع سکونت، نیازها، فرهنگ سکونتی و گرایشات مسکن‌گزینی جمعیت متقاضی سکونت در شهرکها انجام گرفته است.

در شهرکهای مسکونی کشت و صنعت کارون و هفت‌تپه خوزستان استفاده از الگوی اسکان جمعیت براساس تفکیک گروه‌های اجتماعی شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری و یا کارمندی و بهره‌گیری از الگوی طبقه‌بندی و اسکان جمعیت براساس ترکیب گروه‌های اجتماعی شهرکهای دارای ساخت اجتماعی کارگری - کارمندی را سامان داده است.

الگوی محله‌بندی براساس ترکیب گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی متفاوت چهره و سیمای شهرکها را طبقاتی نموده و گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی پائین یعنی کارگران را به «بی‌هنجاری» و «جدائی‌گزینی اکولوژیکی» و گروه‌های شغلی دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی بالا بویژه قشر تحصیلکرده و روشنفکر را به «جدا افتادگی ارزشی» سوق داده است.

یادداشتها

۱- علیزاده، محمد، کازرونی، کاظم، سیاستها، راهبردها، روند و ابعاد شهرنشینی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵.

2- L. Wirth urbunization as a way of life, U.S.A. 1988,44pp.

۲- نقل از طرح پائولوژی اجتماعی بندرعباس، دکتر علیرضا محسنی تبریزی، محسن صفابخش.